



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۸۱

شنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۳، ۱۵ ژوئن ۲۰۲۴

لبه پرتگاه هسته ای

کاظم نیکخواه

سران هفت کشور صنعتی موسوم به گروه هفت، روز ۲۵ خرداد به جمهوری اسلامی در مورد پیشبرد برنامه غنی سازی اورانیوم هشدار دادند. آنها همچنین گفتند اگر حکومت دست به انتقال موشک‌های بالستیک به روسیه بزند، آماده اجرای اقدامات جدیدی خواهند بود. سران گروه هفت در دومین روز نشست خود در ایتالیا در بیانیه‌ای اعلام کردند: «ما از تهران می‌خواهیم تا از تشدید تنش‌های هسته‌ای دست بردارد و ادامه فعالیت‌های غنی سازی اورانیوم را که هیچ توجیه نظامی معتبری برای آن وجود ندارد، متوقف کند».

حکومت اسلامی زاده بحران و خالق بحران‌های بین‌المللی است. این حکومت بیش از هر چیز با تکیه بر بحران‌های مداوم به حیات خود ادامه داده است. در تمام طول حیات ۴۵ ساله این حکومت یک روز خالی از تنش‌های بین‌المللی نبوده است. اما این تنش آفرینی اکنون دارد به پرتگاهی نزدیک می‌شود که با بحران‌های تاکنونی تفاوت جدی دارد و می‌تواند کشاکش‌های نظامی بسیار خطرناکی را بدنال داشته باشد. بنا به گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که روز ۲۳ خرداد رویترز جزئیاتی از آن را منتشر کرد، حکومت اسلامی در حال نصب سریع سانتریفیوژهای غنی سازی اورانیوم در سایت فردو بوده و همچنین شروع به نصب سانتریفیوژهای جدید کرده است. به گفته آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران اکنون در حال غنی سازی اورانیوم با خلوص ۶۰ درصد است و از امکانات لازم برای غنی سازی ۹۰ درصدی هم برخوردار است، این خلوصی است که می‌تواند در ساخت تسلیحات هسته‌ای بکار گرفته می‌شود.

در بیانیه سران گروه هفت آمده است: "ایران باید وارد گفتگوی جدی شده و تضمین‌های قانع‌کننده‌ای ارائه دهد که برنامه هسته‌ای این کشور منحصرًا صلح آمیز است و با مکانیسم‌ها و نظارت کامل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مطابقت دارد".

جمهوری اسلامی در دوره ریاست جمهوری اوباما در آمریکا، زیر فشار تحریم‌های گسترده جهانی ناچار شد به محدودیت‌ها و تعهداتی در قبال غنی سازی اورانیوم رضایت دهد و معاهده موسوم به "برجام" را امضا کرد. پس از چند سال ترامپ روی کار آمد و او در

ادامه در صفحه ۲

رمز فعال بودن حزب

سخنرانی حمید تقوایی
در جمع‌بندی مبحث گزارشات کنگره سیزدهم
صفحه ۳

روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی را گرامی بداریم

اطلاعیه حزب
صفحه ۵

اکسیون اعتراضی

مقابل کنفرانس سازمان جهانی کار در ژنو

گفتگو با شهلا دانشفر
صفحه ۶

خامنه‌ای، اختلافات حکومتی و

مهندسی سیرک انتخابات

محمد شکوهی
صفحه ۸

"خیزش باز نشستگان تیشه به ریشه می‌زند"

پیام حمید تقوایی به بازنشستگان مبارز
صفحه ۱۰

این حزب تنیده شده

در انقلاب زن زندگی آزادی است

سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی در کنگره سیزدهم
صفحه ۱۱

آزادی و استرداد حمید نوری محکوم است

اطلاعیه حزب
صفحه ۱۲

وسیعاً از روز جهانی حمایت از زندانیان

سیاسی ۲۰ ژوئن حمایت کنیم

اطلاعیه کمپین برای آزادی کارگران زندانی
صفحه ۱۳

سایر اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۵

کشورهایی مثل اسرائیل و روسیه و چین و کشورهای متعدد دیگری را نیز به کشاکش نظامی بکشاند و جنگی منطقه ای و حتی فرا منطقه ای را دامن بزند. غرب در شرایط کنونی خواهان جنگ نیست. اما تاریخ نشان داده است که هیچکدام از جنگهای بزرگ با توافق طرفین درگیر، آغاز نشده است.

نتیجه

نتیجه این کشاکش و بحران هرچه باشد ادامه آن مستقیماً و فوراً به زیان آسیب پذیرترین و محروم ترین بخشهای مردم یعنی کارگران و معلمان و بازنشستگان و دیگر اقشار محروم در ایران خواهد بود. هم تحریمهای گسترده و هم کشاکشهای نظامی و هم دست یابی احتمالی حکومت به سلاح اتمی، اولین قربانیان این مردم خواهند بود. حتی صرف گفتمانها و هشدارها در مورد تحریم و جنگ نیز هم اکنون دارد فشارهایش را به مردم از طریق افزایش نجومی قیمتها وارد میکند. در عین حال در انتهای چنین کشاکشهایی جمهوری اسلامی اگر با انقلاب همین مردم سرنگون نشود، میتواند به حیات کثیف خود ادامه دهد. اهدافی که دولتهای غربی دنبال میکنند، نیز یک ذره با مصالح این مردم خوانایی و هماهنگی ندارد. آنها سالها با جمهوری اسلامی مماشات کرده اند و اکنون نیز میخواهند به هر قیمتی این حکومت را از اهداف هسته ایش عقب بزنند اما در چارچوب فعلی کنترل کنند و نگه دارند. اما واقعیت نشان داده است که ادامه عمر جمهوری اسلامی چه بدون سلاح هسته ای چه با آن، به معنای بحران سازهایی مداوم، گسترش تروریسم و کشاندن دنیا به لبه پرتگاههای خطرناک نظامی خواهد بود.

پاسخ بحرانها و بحران سازهایی جمهوری اسلامی را فقط مردم و انقلاب زن زندگی در دست دارند. این حکومت تا زمانی که سرکار باشد برای همه دنیا خطر آفرین و بحران ساز است. اگر دولتها میتوانند با حکومت اسلامی منهای سلاح اتمی کنار بیایند، برای مردم ایران، گزینه سازش با حکومت مطلقاً در دستور نیست. اکنون بخش عظیمی از مردم جهان نیز میدانند که حکومت اسلامی بدون سلاح اتمی نیز هر روز دارد در گوشه و کنار جهان جنایت میکند و جنگ و تروریسم و فاجعه می آفریند. جمهوری اسلامی اکنون یک پای جنگ و کشاکش در غزه و اوکراین و لبنان و یمن نیز هست و با تکیه بر بلوک روسیه و چین خود را در موقعیتی می بیند که بتواند با بحران آفرینی های مداوم و بیشتر، همچنان خود را سر پا نگه دارد.

پاشنه آشیل این حکومت در داخل ایران و در دست مردم است. در میان مردم این حکومت منزوی و منفور است. حکومت اسلامی در ایران یک نیروی بیگانه و اشغالگر است که مردم همه میخواهند از شر آن خلاص شوند و سر سازشی با آن ندارند. زن و مرد و پیر و جوان مصممند این غده سرطانی را از جامعه جارو کنند. این حکومت در برابر مردم مدام زیر ضرب است و فی الحال عقب نشینی های زیادی را متحمل شده است. انقلاب زن زندگی آزادی نشان داده است که این پتانسیل را دارد که این حکومت را با تمام سنتها و نهادها و سیاستهایش به زیر بکشد و جامعه را از بحران و جنگ و تحریم و سرکوب و فقر و جنایات هر روزه نجات دهد. کلید نجات مردم از جمهوری اسلامی و از خطر کشاکشهای نظامی گسترده و تحریمهای اقتصادی و نیروهای ارتجاعی جهانی در اینجا قرار دارد.*

لبه پرتگاه هسته ای از صفحه اول



سال ۲۰۱۸ یعنی ۶ سال پیش خروج آمریکا از معاهده برجام را به دلیل اینکه اقدامات تحریمی علیه جمهوری اسلامی کافی نیست و باید خرد کننده تر باشد، اعلام کرد. خروج آمریکا از برجام همانگونه که پیش بینی شده بود، به جمهوری اسلامی بهانه داد که غنی سازی اورانیوم را به کمک روسیه و کره شمالی سرعت بخشد.

آستانه خطر

اکنون جمهوری اسلامی از نظر غرب درست به لبه خطری بزرگ رسیده است. به جایی که میتواند در عرض چند هفته به اسلحه اتمی دست یابد. در عین حال هم آمریکا و هم اسرائیل و هم سران ناتو میگویند مطلقاً اجازه دست یابی حکومت اسلامی به سلاح اتمی را نخواهند داد. کشورهای گروه هفت میگویند اکنون به جمهوری اسلامی هشدار داده اند که تمام گزینه ها روی میز است. و این به معنای تهدید نظامی جدی تلقی میشود. سوال اینست که آیا خطر حمله نظامی بطور واقعی وجود دارد؟ آیا تحریمهای گسترده مانع دست یابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی خواهد شد؟ و کلا این اوضاع بر فضای سیاسی در ایران چه تاثیری خواهد داشت؟

به نظر میرسد که غرب این چشم انداز را در برابر خود می بیند که بتواند تحریمهای سنگین تری نسبت به قبل را به جمهوری اسلامی تحمیل کند و از این طریق این حکومت را مجدداً به پای میز مذاکره برای کنترل اقدامات اتمی بکشاند. با توجه به اقتصاد ورشکسته و رو به فروپاشی ایران تحت حکومت اسلامی، این گزینه به درجه ای محتمل به نظر میرسد. یعنی این احتمال هست که حکومت اسلامی از ترس گسترش تحریمهای اقتصادی کمر شکن، به مذاکرات اتمی و کنترل تولیدات اتمی رضایت دهد. اما این یک احتمال ضعیف است. چرا که اولاً حکومت اسلامی در طول تحریمهای قبلی یک اقتصاد مبتنی بر قاچاق را سازمان داده است و از این طریق امور خود را میگذراند و برایش چندان مهم نیست که با تحریمها چه بلایی سر مردم می آید. بعلاوه در دوره کنونی شکاف میان روسیه و چین با آمریکا و غرب بسیار تشدید شده است و این شکاف در این دره به کمک جمهوری اسلامی خواهد آمد که با اتکا به آن بتواند بدرجه ای خود را از فروپاشی کامل نجات دهد.

گزینه بعدی برای غرب ضریات نظامی کنترل شده و نقطه ای از طریق ناتو به جمهوری اسلامی و نابودی و فلج کردن مراکز هسته ای حکومت است. این نیز اکنون یک احتمال واقعی است که اسرائیل و کشورهای مثل عربستان نیز از آن استقبال میکنند. اما اینکه چنین ضریاتی تا چه حد بطور واقعی مراکز هسته ای جمهوری اسلامی را بتواند فلج کند، و چه عواقب بین المللی خواهد داشت و تا چه حد قابل جلوگیری برای تبدیل شدن به جنگی گسترده میان کشورهای مختلف خواهند بود، بطور جدی مورد بحث و سوال است. به عبارت دیگر با توجه به صف بندی های جهانی در شرایط کنونی، چنین حملات نظامی ای میتواند پای

رمز فعال بودن حزب

سخنرانی حمید تقوائی

در جمع‌بندی مبحث گزارشات کنگره سیزدهم



هر تبعیض و بی‌حقوقی با هدف حل همان مساله معین، هست که مردم بما روی می آورند. مردم وقتی سوسیالیسم ما را قبول میکنند، وقتی حزبمان را قبول میکنند که اول نیت و فعالیت ما را در همان عرصه و برای امر برحق خودشان دیده باشند و بگویند اینها دارند برای امر من مبارزه میکنند و همین! در مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ما شرکت نمیکنیم که عضو بگیریم، شرکت میکنیم که زندانیان سیاسی آزاد بشوند. هر که میخواهد عضو بشود خوش آمده است ولی بیائید در تشریک مساعی با ما برای آزادی زندانیان سیاسی بجنگیم. این جنگ ما است.

بینید سوسیالیستها دو نوع هستند. یک نوع که به حاشیه می روند و بجائی نمی‌رسند و یک نوع مانند حزب ما که میخواهد در متن جامعه و مبارزات هر روزه قرار بگیرد. نوع اول نیروئی است که میگوید جنبش زن برای من مهم است چون سوسیالیسم میتواند زن را رها کند. من میروم در این جنبش که برای سوسیالیسم نیرو جمع کنم. من میروم در جنبش آزادی زندانیان سیاسی که سوسیالیسم را تبلیغ کنم چون بالاخره سوسیالیسم به معنی واقعی آزادی برقرار میکند. من میروم در جنبش زنان که بگویم فمینیسم واقعی سوسیالیسم است. من میروم در جنبش علیه دیکتاتوری که سوسیالیستها را جمع کنم. خلاصه شیوه ای که میخواهد همه فعالین و همه جنبشهای اعتراضی را به امر خودش، به جنبش سوسیالیستی بکشاند. این شیوه خیلی به نظر رادیکال میرسد ولی دنیا را سروته میبیند. ما برعکس عمل میکنیم. ما میخواهیم همه مبارزین و جنبشهای که امر بر حقی دارند ما را فعال پیگیر امر خودشان بدانند. نیروئی هستیم که چون سوسیالیستیم فکر میکنیم آزادی زن در خود یک ارزش است و باید برایش جنگید. آزادی زن یک آرمان است. آزادی زن هدف در خود ما است.

یکی میگفت آخر مبارزه زنان مثلا علیه حجاب که سوسیالیستی نیست. مبارزه علیه اعدام که سوسیالیستی نیست (دلیلشان هم اغلب اینست که غیر سوسیالیستها هم در این جنبشها هستند. ظاهرا سوسیالیستها هر چه تنها تر باشند رادیکال ترند!) از ما میپرسند برای سوسیالیسم چکار کردید؟! میدانید به چه میماند؟ به یکی گفتند برو در جنگل حیوانات را ببین گفت من حیوانی نمی بینم، شیر هست، کرگدن هست، کفتار هست. ولی حیوان نیست! مبارزه ما علیه اعدام و رهایی زن و آزادی زندانیان سیاسی و غیره را می بینند و بعد میپرسند برای سوسیالیسم چکار کردید؟! مصادیق مبارزه سوسیالیستی را می بینند ولی خودش را نمی بینند؟! مبارزه برای سوسیالیسم را در جنبش علیه اعدام نمی

حزب ما هزار و یک کمبود دارد. هزار و یک کار باید کرد. در گزارشها اشاره شد و اصغر کریمی هم به نکاتی پرداخت. از مساله مالی بگیریید تا کمبود کادر برای مثلا تلویزیون، برای کمیته سازمانده، برای کمیته کردستان و غیره.

ببینید برای حزب ما مبارزه انتها ندارد. شما همانقدر مبارزه میکنید و همانقدر در برنامه عملتان می گذارید که نیرویش را دارید. ایده صدها برابر نیروی عملی ما است. ایده ها، پلاتفرمها، سیاستها، نقشه عملها، و همه کارهایی که باید انجام بشود انتها ندارد. کادرش را میخواهیم، پولش را میخواهیم، امکانات فنی اش را لازم داریم. در گزارشها گفته شد آموزش فنی بدهید. باید ابزارهای فعالیت هرچه بیشتر را ساخت. اینطور نیست که یک کارخانه ابزار سازی مبارزه آنجا هست میرویم میخریم! باید این را ساخت. باید سازمان داد. باید ایجاد کرد. در فضای واقعی، در فضای مبارزات خیابانی، داخل ایران و خارج ایران، و در فضای مدیای اجتماعی، در فضای مجازی.

مبارزه و ابزارسازی برای مبارزه با هم پیش میرود. این گزارشهایی که داده شد بقول یکی از دوستان برای خود ما هم تحسین برانگیز بود. من هروقت در کنگره یا پلنومی شرکت میکنم تصویر دیگری از فعالیتها میگیرم چون گرچه گزارشات روزانه را می بینم و در جریان فعالیتها روزانه هستم ولی وقتی رفقای می آیند اینجا از کارهایی که انجام میشود صحبت میکنند می بینید چه دریایی از کار انجام می شود. و بعد فوراً این به ذهن می آید که کاش بیشتر پول داشتیم، کاش بیشتر امکانات داشتیم، کاش بیشتر کادر فنی داشتیم، کاش بیشتر مروج- سازمانده داشتیم، کاش در مدیای اجتماعی بیشتر فعال بودیم، کاش با نیروی بیشتری در مبارزات خیابانی در داخل و خارج ایران شرکت میکردیم. چون سیاستهایش هست.

ببینید یک روز تمام ارائه گزارشات، در مورد مواضع نبود، گزارش سیاستها نبود، گزارش تئوریا نبود. ما آکادمی نیستیم. این فقط گزارش عملکرد بود. تئوریا و سیاستها را بروید پشت این فعالیتها پیدا کنید. تئوریا و جهت گیریها و سیاست هابی هست که به این فعالیتها منجر میشود و بگذارید بگویم رمز این فعالیتها چیست. شاید فرق ما با خیلی از نیروهای مدعی چپ و مدعی انقلابیگری در اینست.

رمز ما اینست که برای ما فعالیت برای هر امر برحقی یک هدف در خود است. اگر شما علیه اعدام مبارزه میکنید بخاطر اینست که میخواهید کسی اعدام نشود. نمیخواهید عضو بگیرید. نمیخواهد با مبارزه علیه اعدام سوسیالیست تربیت کنید. نمیخواهید حزبتان را بزرگ کنید. نمیخواهید حتی حزبتان را بعنوان آلترناتیو قدرت سیاسی به رخ جامعه بکشید. هدف دوم ندارید، اجندای پنهان ندارید. اجندای ما در مبارزه علیه اعدام نجات جان انسانها است. اجندای ما در مبارزه زنان علیه طالبان رهایی زنان افغانستان است. نمیخواهیم شاخه حزب کمونیست کارگری در افغانستان را بسازیم. تنها با این نوع مبارزه، مبارزه علیه

لنین زمانی گفت هر دموکرات پیگیری باید سوسیال دموکرات باشد. من میگویم هر فمینیست پیگیری، هر انساندوست پیگیری، هر طرفدار حقوق بشر پیگیری، هر رنگین کمانی پیگیری میتواند کمونیست باشد. به شرطی که کمونیسم را در کنار خودش و در مبارزه برای امر رهایی خودش و امر مهم خودش ببیند. راهش این نیست که مثلا فعال جنبش رنگین کمانی را آگاه کنید و قانع کنید که سوسیالیسم آزادش میکند. تنها زمانی به این نتیجه میرسد و سوسیالیست میشود که شما مبارز و سردار جنگ خودش بشوید. برای امر او بجنگید.

در مورد همه بخشهای جامعه این صادق است. مبارزه برای حقوق زنان، حقوق کارگران، حقوق رنگین کمانی ها، حقوق کودکان، حقوق اقلیتهای مذهبی، حقوق قربانیان دیکتاتوری، حقوق کارتن خوابها، حقوق تن فروشان، حقوق کولبران و سوختبران و غیره و غیره، اینها همه امر ماست چون اولاً دفاع از این حق ها یک ارزش انسانی در خود است و ثانياً ریشه همه این بی حقوقیها و تبعیضات و سرکوبگریها سرمایه داری است که مبارزه برای بر انداختنش امر استراتژیک ما است.

ما در هر جبهه ای علیه هر بی حقوقی و تبعیضی می جنگیم. تنها به این شیوه میتوانیم نیرو جمع کنیم. به این شیوه میتوان رهبر همه جنبشها شد. الان در دل انقلاب زن زندگی آزادی این جنبشها شاخه های جنبش سرنگونی اند. شاخه های انقلابند. انقلاب هم یک مقوله انتزاعی نیست، مثل افلاطونی نیست. انقلاب یعنی همان زنی که بلند میشود به آن حجاب بان میگوید برو پی کارت حق نداری بمن دست برنی. پیامش را در همین کنگره شنیدیم. و ال جی بی تی کیوئی که برای کنگره ما پیام میفرستد. و معلمی که پیام میفرستد و پرستاری که پیام می فرستد. اینها حزب ما را دیده اند بعنوان مبارز امر خودشان. سوسیالیسم ما اینست. تومنی هفت صنار با آن چیزی که به اسم سوسیالیسم به مردم فروخته اند فرق میکند.

هر انساندوستی باید سوسیالیست باشد. هر طرفدار پیگیر حقوق بشر. باید سوسیالیست باشد. در این کنگره به ما پیام دادند که آزادی مقدم بر برابری است، اگر در همان امر آزادی پیگیر باشید باید برابری طلب باشید، باید سوسیالیست باشید. آزادی به خاطر بدخلقی آیت الله ها و شاهان سرکوب نشده است. آزادی سرکوب شده چون بقول منصور حکمت آزادیخواهی نسبت معکوس با قطر کیف پول دارد. آزادی در آن مملکت بدست نمی آید چون سرمایه میخواهد سود ببرد. و برای اینکه سود ببرد بتواند با سرمایه انگلیسی و فرانسوی و آمریکایی رقابت کند. آن تکنولوژی را ندارید، آن بارآوری کار را ندارید، آن انقلاب صنعتی را نداشته اید باید

ادامه در صفحه ۵

رمز فعال بودن حزب

از صفحه ۳

بینید؟ در جنبش علیه زن ستیزی مبارزه سوسیالیستی را نمی بینید؟ در جنبش علیه دیکتاتوری؟ در مبارزه علیه مذهب؟ مگر این مذهب، مذهب دوره صفوی است؟ مگر دوره قاجار است؟ این قرن ۲۱ است! این مذهب، مذهب سرمایه داری جهانی است. جنبش سوسیالیستی را اگر ترجمه نکنید به جنبش برای افزایش دستمزد، به جنبش برای رهایی زن، جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی، جنبش برای برابری، جنبش برای حقوق کودک، جنبش علیه دیکتاتوری، جنبش علیه مذهب، جنبش علیه هر نوع تبعیض، جنبش برای حقوق ال جی بی تی کیوها، چی از آن میماند؟ غیر از یک شعار انتزاعی مرگ بر استثمار و پرولتاریای جهان متحد شوید چه از آن باقی میماند؟ تازه آن هم متحد بشو حول من و چند رفیق همفکر من چون بقیه سوسیالیست نیستند!

این کاریکاتوری است که اینها از جنبش کمونیستی و کلا از مبارزه طبقاتی ساخته اند. ما همیشه گفته ایم کمونیسم کارگری یک جنبش اجتماعی است. و این جنبش اجتماعی هزار و یک شاخه دارد. هر دردی در دنیای امروز هست ریشه اش کاپیتالیسم است. سرمایه داری فقط در کارخانه نیست و در استثمار. از خامنه ای، تا طالبان تا ترامپ، تا شیخ عربستان، تا بشار اسد نمایندگان سرمایه قرن بیست و یکم هستند. ظلم سرمایه داری شاخ و دم ندارد. برای بسیاری که ادعای چپ بودن دارند سوسیالیسم یک مفهوم آبستره است در کتابها. که گویا روزی پرولتاریای ظفرنمون جهان با پرچم سرخ سوسیالیسم می آید و همه جنبشها را دنبال خودش قطار میکند. گویا همه می فهمند که سوسیالیسم آنها را آزاد میکند و مبارز راه سوسیالیسم میشوند! این اتفاق نمی افتد! فعال جنبش زن میخواهد زن آزاد بشود، انسان است و برای یک ارزش انسانی دارد مبارزه میکند. و فقط همین. اما فعالیتش عملاً بخشی. از مبارزه طبقاتی است گرچه تئوری اش را ندارد. مبارزه اش بخشی از مبارزه علیه سرمایه داری است چون ریشه ستمکشی. اش نظم سرمایه داری است. با تئوری که نمی رویم سراغ آدمها. کسی که برای آزادی زن میجنگد دارد برای سوسیالیسم میجنگد، چه خودش بداند و چه نداند. و وقتی ما سوسیالیستها به او بگوئیم امرمان امر تو است، در این جنبش امرمان رهایی زن است و لاغیر و این را ببینید خواهد گفت این سوسیالیسم نوع دیگری است که نمیخواهد مرا سوسیالیست کند بلکه میخواهد مرا آزاد کند. تنها در این صورت یک فمینیست پیگیر سوسیالیست خواهد شد.

در این کنگره به ما پیام دادند که آزادی مقدم بر برابری است، اگر در همان امر آزادی پیگیر باشید باید برابری طلب باشید، باید سوسیالیست باشید. آزادی به خاطر بدخلقی آیت الله ها و شاهان سرکوب نشده است. آزادی سرکوب شده چون بقول منصور حکمت آزادیخواهی نسبت معکوس با قطر کیف پول دارد. آزادی در آن مملکت بدست نمی آید چون سرمایه میخواهد سود ببرد. و برای اینکه سود ببرد بتواند با سرمایه انگلیسی و فرانسوی و آمریکایی رقابت کند. آن تکنولوژی را ندارید، آن بارآوری کار را ندارید، آن انقلاب صنعتی را نداشته اید باید

روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی را گرامی بداریم

۲۰ ژوئن مصادف با ۳۰ خرداد (امسال مصادف با ۳۱ خرداد)، تلاق دو مقطع ۳۰ خرداد ۶۰، شروع دستگیری‌های گسترده فعالین سیاسی و شکنجه و کشتار هزاران نفر از آنها، ۳۰ خرداد ۸۸ که روز سرکوب جنایتکارانه خیزش اعتراضی مردم، به رگبار بستن تظاهرات، قتل جوانانی مانند ندا آقا سلطان و زندانی کردن هزاران نفر از مردم معترض است. کمیته آزادی زندانیان سیاسی که مبتکر و فراخوان دهنده بیست ژوئن بعنوان روز جهانی زندانیان سیاسی بوده است و برای شناساندن این روز، افشای جنایات جمهوری اسلامی و دفاع از زندانیان سیاسی پیگیرانه مبارزه کرده است، امسال این روز را به "شکنجه دارویی زندانیان"، "بازداشت خانواده های دادخواه و فعالین"، "دخالت و سرکوب فرا ملی"، "احکام اعدام" و همچنین جایگاه "مبارزات زنان در جامعه" اختصاص داده است و علاوه بر فراخوان یک هفته اعتراض در خارج کشور، کنفرانس بزرگی با سخنرانی حداقل ۲۴ فعال از طیف‌های مختلف سیاسی سازمان داده است.

امسال این اقدامات در شرایطی صورت می‌گیرد که از یکطرف جمهوری اسلامی فشار بر فعالین را تشدید کرده و هر روز تعدادی از فعالین، از زنان و معلمان و کارگران، تا دانشجویان، فعالین مدیای اجتماعی، خوانندگان معترض را به زندان می‌اندازد، بعضا زیر شکنجه زندانیان را به قتل می‌رساند یا به آنها تجاوز میکند و از طرف دیگر زندانیان سیاسی و بویژه زنان زندانی شجاعانه علیه حکومت ایستادگی میکنند و مردم را به گسترش اعتراض و انقلاب فرامیخوانند.

در چنین شرایطی تلاش برای هر چه رساتر کردن صدای زندانیان و گسترش مبارزه برای گشودن در زندانها و آزادی همه زندانیان بعنوان عرصه مهمی از تداوم انقلاب برای به زیرکشدن حکومت اسلامی ضرورت بیشتری یافته است.

حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت همه جانبه از تلاش کمیته آزادی زندانیان سیاسی، و همینطور فعالیت‌های درخشان زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان و همه فعالین و تشکلهایی که برای آزادی زندانیان تلاش میکنند، همه مردم، دانشجویان و زنان، کارگران و معلمان و بازنشستگان، هنرمندان و نویسندگان و کلیه فعالین و تشکلهای مردمی را به حمایت از زندانیان سیاسی و رساتر کردن فریاد اعتراض آنان فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ خرداد ۱۴۰۳، ۱۴ ژوئن ۲۰۲۴

رمز فعال بودن حزب

از صفحه ۴

تسمه از گرده طبقه کارگر بکشید تا در بازار جهانی با سرمایه چینی و آمریکایی و اروپایی رقابت کنید. دیکتاتوری بورژوازی ایران از اینجا در می‌آید. و نه اینکه گویا ما ایرانی‌ها دموکراسی بلد نیستیم. باید برویم یاد بگیریم! از انقلاب مشروطه تا حالا می‌خواهند دموکراسی یاد بگیرند این هم نتیجه اش! این هم نتیجه اش! جانی ترین و کثیف ترین حکومتی که دنیا به خودش دیده است.

در برابر این وضعیت شما باید پرچم تمام انسانیت را بلند کنید و سوسیالیستها این پرچم را در دست دارند. در سخنرانی افتتاحیه گفتیم ما تمام آزادی را می‌خواهیم. ما تمام برابری را می‌خواهیم. ما تمام انسانیت را می‌خواهیم. و هر کسی که یک میلیمتر برای انسانیت می‌جنگد خوش آمده است. آغوشمان باز است. ما با همه اکتیویستهای ضد زن ستیزی همراهیم، هم دوشیم، هم رزمیم. ما هم‌رزم می‌خواهیم و اگر خوب بجنگیم هم‌فکر خواهند شد. و اگر شما را هم‌رزم خودشان نبینند با تفکر شما هم همراه نخواهند شد. ما هم‌فکر می‌خواهیم ولی راهش اینست که هم رزم مردم باشیم. هم‌رزم هر انسانی که یک میلیمتر ناساندوست باشد. ما همه نقشه را داریم. ما می‌خواهیم دیکتاتوری نباشد، آزادی باشد، ستم به زن نباشد، ستم به کودک نباشد، ستم به رنگین‌کمانی نباشد، کارتن خواب نباشد ولی آنکه در مبارزه برای رهائی زن فعال است فقط می‌خواهد زن به حقوقش برسد. باشد، خوش آمده، زنده باد! وقتی حقوق زن برآورده بشود او کنار می‌رود ولی ما ادامه می‌دهیم. ما تا زمانی که یک ذره تبعیض در جامعه هست ایستاده ایم و می‌جنگیم. این حزب تا یک میلیمتر تبعیض در جامعه هست، یک میلیمتر دیکتاتوری هست، یک میلیمتر فقر هست، ضرورت و موضوعیت سیاسی دارد. ضرورت داریم، باید باشیم جامعه ما را صدا میکند، کارتن خواب ما را صدا میکند، کولبر ما را صدا میکند، تا وقتی در آن جامعه فاصله بین فقر و ثروت هست این حزب هم هست. آزادی باشد، دموکراسی باشد، نباشد، شبیه اروپا باشد، شبیه ترکیه باشد، هر چه باشد تا وقتی بخشی از جامعه، هر بخشی از جامعه بعنوان انسان دارد له میشود این حزب هم هست.

و به همین خاطر ما می‌گوییم اساس سوسیالیسم انسان است. من به دوستی که پیام داد می‌گویم آزادی بله ولی نه دموکراسی ای که شما می‌گوئید. آزادی بعنوان بازگرداندن اختیار به انسان! اگر امر شما هم هست خوش آمدید. امر ما اینست. تعبیر ما از آزادی اینست: بازگرداندن اختیار به انسان. و برای اینکه اختیار به انسان برگردد باید قبل از هر چیز از جبر اقتصادی آزاد بشود. کسی که روزی هشت ساعت مجبور است کار کند تا زندگی خودش و خانواده اش را تامین کند ۸ ساعت در روز آزاد نیست. بقیه اش را هم که باید تجدید قوا کند برای کار فردا. کدام آزادی؟

ما انتظارات را بالا می‌بریم، ما توقعات را بالا می‌بریم. ما انسانیت را طوری تعریف میکنیم که از کارتن خواب تا کودک افغانی که شروین در ترانه اش می‌گوید خودش را با ما تداعی کند. ما را حزب خودش بداند. و برای این کار ما حزب عمل هستیم به معنایی که گفتیم. گزارشات امروز گزارشات عملکرد حزب بود. من سعی کردم فلسفه پشت این عملکرد را توضیح بدهم. خیلی ممنون.

۲۴ خرداد ۱۴۰۳، ۱۳ ژوئن ۲۰۲۴

اتحاد اتحاد
علیه فقر و فساد

آکسیون اعتراضی مقابل کنفرانس سازمان جهانی کار در ژنو

گفتگو با شهلا دانشفر



سطح جهانی بایکوت شود. و بعنوان اولین قدم از تمامی نهادهای بین المللی از جمله سازمان جهانی کار اخراج گردد. این سخنرانی با شعارهای کارگر زندانی آزاد باید گردد، معلم زندانی آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، زن زندگی آزادی، مرگ بر جمهوری اسلامی پایان یافت. عباس ماندگار سخنان دیگر از سوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی که از کانادا آمده بود در این میتینگ اعتراضی بود. او از فعالیت های این کمپین در کانادا و حمایت های اتحادیه های کارگری در آنجا از کارگران ایران و انقلاب زن زندگی آزادی سخن گفت و فریاد زد و گفت که جای حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار و در هیچ نهاد و سازمان بین المللی نیست. جمهوری اسلامی جنایتکار و تروریست است و تک تک سران آن باید در سطح جهانی بخاطر همه جنایاتشان محاکمه شوند و این رژیم باید از سازمان جهانی کار بیرون انداخته شود. ناصر کشکولی از سوی حزب کمونیست کارگری سخنرانی کرد و با اشاره به سرکوبگری های حکومت و افزایش اعدامها، فریاد زد و گفت که این حکومت که در یک دستش قرآن است و در دست دیگرش طناب دار باید از سازمان جهانی کار اخراج گردد. او از شمار بالای کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران و وضع بد معیشتی مردم صحبت کرد. و بالاخره هاشم فاضلی عضو دیگر کمپین برای آزادی کارگران زندانی با اشاره به همین نکات شعری را به میتینگ اعتراضی تقدیم کرد. ما در این آکسیون اعتراضی اعلام کردیم که موضوع اخراج جمهوری اسلامی از آی ال او یک کارزار مهم کمپین برای آزادی کارگران زندانی است. ما توانسته ایم در این کارزار شماری از اتحادیه های کارگری در کانادا، استرالیا، میانمار، و سوئیس را با خود همراه کنیم. بعلاوه اینکه کمپینهایی سیاسی در سطح جهانی از این کارزار حمایت کرده اند. و امروز در فضای انقلابی جامعه و بازتاب جهانی انقلاب زن زندگی آزادی در موقعیت بهتری برای پیشبرد این کارزار قرار داریم و آنرا به پیش میبریم. و از نظر ما اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار قدم مهمی در راستای بایکوت جهانی آن و برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

انترناسیونال: در گزارش فری دم ناو گفته میشود که شما در این

انترناسیونال: شهلا دانشفر این هفته فری دم ناو آکسیونی مقابل کنفرانس سازمان ملل در ژنو علیه جمهوری اسلامی داشت و شما هم در آن شرکت داشتید. اگر ممکن است کمی در مورد این تظاهرات و آکسیون توضیح دهید

شهلا دانشفر: امسال ما مثل سالهای گذشته به ژنو رفتیم تا در تظاهرات ایستاده ای که برای روز هفتم ژوئن (۱۸ خرداد) در اعتراض به حضور جمهوری اسلامی در اجلاس سازمان جهانی کار در میدان ملل این شهر بر پا میشد، شرکت کنیم. این آکسیون اعتراضی توسط کمیته سراسری برگزاری آکسیون های اعتراضی در ژنو سازمان یافته بود و ۱۹ اتحادیه و سندیکا از کشورهای دانمارک، سوئد، انگلیس، فرانسه، ایتالیا و سوئیس با میلیون ها عضو پشتیبانی خود را از آن اعلام کرده بودند. در این میتینگ اعتراضی هیات هایی از سوی جریانهای مختلف سیاسی و نهادهای مدافع حقوق کارگر از جمله از سوی حزب کمونیست کارگری شرکت داشتند. هیئت کمپین برای آزادی کارگران زندانی (free them now) نیز از شرکت کنندگان در این آکسیون اعتراضی بود که لوگوی آن و بنر بزرگش با نوشته "جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود" بسیار قابل توجه بود. همچنین پوسترهایی با عکس هایی از کارگران و معلمان زندانی و نیز معترضینی که در لیست اعدامها هستند توجه ها را بخود جلب میکرد. من بعنوان سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی در این میتینگ اعتراضی سخنرانی کردم و بر اینکه ما نه فقط به حضور جمهوری اسلامی در این اجلاس معین بلکه به عضویتش در سازمان جهانی کار اعتراض داریم تاکید کردم. در این سخنرانی ضمن اشاره به جنایات وحشیانه حکومت در برابر مردم معترض و تشدید سرکوبگریهایش و سرعت یافتن ماشین کشتار و جنایت رژیم برای عقب زدن انقلاب زن زندگی آزادی، بر اضطراری بودن شرایط سیاسی در ایران و اهمیت حمایت جهانی از مبارزات کارگران و مردم ایران تاکید شد. و بالاخره با اشاره بر تجربیاتی تاریخی چون اخراج هیات آلمان هیتلری در سال ۱۹۳۰ از آی ال او و بایکوت جهانی رژیم آپارتاید نژادی در آفریقای جنوب، تاکید شد که امروز نیز باید حکومت اسلامی فاشیست، آپارتاید جنسی، کودک کش، ضد کارگر، و ضد انسان بخاطر ۴۵ سال جنایت و سرکوب، در



آکسیون اعتراضی مقابل کنفرانس سازمان جهانی کار در ژنو از صفحه ۶

آور است. تاکید ما بر این بود که گزارش کافی نیست. جمهوری اسلامی باید بایکوت شود. باید از نهادی چون سازمان جهانی کار بیرون انداخته شود. انیس عنانی با گفتن اینکه ما طبعاً نمیتوانیم اینجا پاسخ رسمی به شما بدهیم اما خود من تلاش میکنم که صحبت های شما را در نشستهایمان بازتاب دهم. گفتنی است که ما پوشه نامه های ارائه شده به شورای حقوق بشر سازمان ملل را به سازمان جهانی کار و سازمان ملل نیز ارائه دادیم. این دیدار از نظر ما اولتیماتومی به سازمان ملل و نهادهای تحت تابعیت آنست مبنی بر اینکه کارزار بایکوت جهانی جمهوری اسلامی و مشخصاً اخراج آن از سازمان جهانی کار یک کارزار مهم برای ما است و آنرا دامه خواهیم داد.

اما اجازه بدهید اشاره مختصری هم به چشم انداز این کارزار داشته باشم. من همانطور که در سخنرانی ام در آکسیون اعتراضی مقابل اجلاس آی ال او اشاره کردم ما میتوانیم این کارزار را با موفقیت جلو ببریم. تجربیات تاریخی آن چراغ راهنمای خوبی برای ما است و پاسخ همه کسانی که میگویند سازمان ملل از دولتها تشکیل شده و اخراج ایران ممکن نیست را میدهد. بعلاوه در همین جریان انقلاب زن زندگی آزادی دستاوردهای خوبی در همین جهت داشتیم. دیدیم که جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن سازمان ملل بیرون انداخته شد. گزارش کمیته حقیقت یاب نیز خود قدرت و عظمت انقلاب در ایران را نشان میدهد. در گفتمانهای جهانی آپارتاید جنسی حاکم در ایران از مصادیق نقض حقوق بشر نام برده میشود. همین الان بحث قرار گرفتن سپاه پاسداران جمهوری اسلامی در لیست تروریسم جهانی داغ است و موضوع بحث پارلمانها بوده است. اینها همه نشان میدهد که ما نیمی از راه را آمده ایم. جمهوری اسلامی به عنوان ستون فقرات اسلام سیاسی در افکار جهانی منفور است. بنابراین با توجه به انزوای جهانی جمهوری اسلامی در افکار بین المللی و با اتکا به قدرت فضای انقلابی حاکم بر ایران و بازتاب جهانی ای که انقلاب زن زندگی آزادی داشته است. چشم انداز روشنی برای تحقق عملی این کارزار در برابر ما قرار دارد. و ما برای آن تلاش میکنیم*

سفر ملاقاتی هم با مسئولین حقوق بشر. سازمان ملل داشتید. آیا این ملاقات هم در همین جهت بایکوت جهانی جمهوری اسلامی بود؟ آیا این چشم انداز را می بینید که در آینده چنین سیاستی به اجرا گذاشته شود؟

شهلا دانشفر: درست است. ما صبح روز هفتم ژوئن قبل از میتینگ اعتراضی مقابل اجلاس سازمان جهانی کار، ملاقاتی با انیس عنانی مسئول بخش خاورمیانه شورای حقوق بشر. سازمان ملل داشتیم. من بعنوان سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و هاشم فاضلی و بهنام فاضلی بعنوان اعضای این کمپین در این ملاقات حضور داشتیم. در این دیدار همانطور که گزارش کرده ایم بیانیه اقدام مشترک ۸۴ نهاد در حمایت از محکومین به اعدام مواد مخدری، بیانیه کارزار جهانی نه به اعدامها در ایران، بیانیه کمپین برای آزادی کارگران زندانی در اعتراض به حضور هیات جمهوری اسلامی در آی ال او، لیست اتحادیه های کارگری جهانی که از کارزار ما برای اخراج جمهوری اسلامی از آی ال او حمایت کرده اند و نیز نامه هایی از فعالین و تشکلهای کارگری از ایران که به حضور جمهوری اسلامی در آی ال او اعتراض کرده اند را ارائه دادیم. همچنین از تشدید سرکوبگری های حکومت و گسترش اعدامها و وضعیت خطیری که امروز در ایران هست صحبت کردیم. انیس عنانی در پاسخ ما گفت که آنها همه این موارد را در گزارش این سازمان که در ماه ژوئیه و اکتبر منتشر خواهد شد بازتاب خواهند داد. او گفت که آنها بر این وضعیت واقف هستند و فوکوس آنها بر روی اعدامها در ایران است. و ما در پاسخ اشاره کردیم ما میدانیم شما اطلاع دارید. سازمان ملل و سازمان جهانی کار اطلاع دارد. کمیته حقیقت یاب سازمان ملل در بررسی سرکوبگریها حکومت اسلامی در جریان انقلاب زن زندگی آزادی، جنایات این رژیم را "جنایت علیه بشریت" خوانده است. اما علیرغم همه اینها سازمان جهانی کار میزبان هیات جمهوری اسلامی است و این شرم

خامنه ای، اختلافات حکومتی و مهندسی سیرک انتخابات

مجد شکوهی



جمهوری اسلامی این روزها مشغول سیرک انتخاباتی است. ۸۰ نفر ثبت نام کرده بودند، که شورای نگهبان فقط صلاحیت ۶ نفر را، البته با توصیه خامنه ای و برای "مدیریت مهار شده رقابت‌های درونی حکومت" در این ماجرا تأیید کرده و استارت آن را زده اند.

این انتخابات حکومت در شرایط و اوضاع احوالی کاملاً ویژه و برمتن کشنده ترین و عمیق ترین بحران حکومتی، نزدیک به دو سال بعد از انقلاب زن زندگی آزادی برگزار میشود. انقلابی که حکومت را تا آستانه سرنگونی زیر ضری گرفت. اکنون بعد از این رویداد مهم و بدنالمگ آیت الله قاتل، رژیم دوباره انتخابات ریاست جمهوری برگزار می کند. این انتخابات یک آزمون بزرگ برای کل حکومت و خامنه ای و تلاش و تقلایش برای جمع و جور کردن باندهایش برای مقابله و رویارویی با خطر احتمال بازگشت دوباره انقلاب و ترس و وحشت همیشگی رژیم از سرنگونی اش است. مهندسی مقابله با خطراتی که کل نظام را از ناحیه مردم تعقیب می کند، یک معضل جدی خامنه ای است. این انتخابات قرار است ظاهراً پاسخی برای برون رفت از این وضعیت بحرانی و بی افقی تمام در کل نظام جمهوری اسلامی باشد. اینک‌های حکومت‌اسلامی پشت سر سیاست های مورد نظر خامنه ای بعد از رئیسی و یا چهره مورد نظری برای این پست حکومتی یکدست تر خواهد شد یا نه، هنوز در ابهام است. نگاهی بیندازیم به وضعیت کلی حکومت در آستانه این مضحکه، دسته بندیها و آرایش جدید باندهای شریک و سهمیم در حکومت، درجه و میزان نفوذشان، موقعیت خامنه ای در جنگ و دعواهای جناحی، نقش سپاه پاسداران در آینده رژیم و موضوع جانشینی خامنه ای.

یک اتفاق بسیار مهم در چند سال گذشته، بویژه در جریان انقلاب زن زندگی آزادی در هم‌ریختن صف بندیها و آرایش جناح های سنتی در درون حکومت بود. شعار اصلاح طلب اصولگرا دیگه تموم ماجرا، که برای اولین بار در دی ماه ۹۶ در جریان اعتراضات دانشجویان در دانشگاه های تهران و امیرکبیر سرداده شد، در طول نزدیک به هفت سال گذشته، بویژه در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱ تبدیل به یک شعار عمومی و توده ایدر جریان انقلاب شد. و این بیانگر عبور مردم از همه دار و دسته ها و جناحهای حکومتی بود. این تحول سیاسی بیانگر این نکته بود که آخرین توهومات بخش هایی از مردم به حکومت هم فرو ریخته و مردم چاره را فقط در انقلاب و بهزیر کشیدن حکومت می دانند. خواست سرنگونی حکومت پیام روشن این تحول مهم است.

انتخابات و صف بندیهای درونی حکومت

بعد از کشته شدن رئیسی، که احتمال می رفت جانشین خامنه ای بشود، کل نظام و شخص خامنه ای با یک بحران بزرگ پیدا کرن جایگزین برای رئیسی روبرو شده است. بحرانی که در ماجرای بررسی

صلاحیتهای کاندیداهای انتخابات و با رد صلاحیت عناصر مهم خودش را بیشتر از هر زمانی به نمایش گذاشت. اعتماد خامنه ای حتی به دولت "خدمتگذار رئیسی" هم دچار مشکل شده است.

خامنه ای خودش هم می داند که جناح بندیهای سابق حکومتی دیگر اعتباری ندارد. اصولگرایان با چهره های شاخص شان و کاندیداهایشان دیگر کاربردی برای استراتژی خامنه ای ندارند. رد صلاحیت لاریجانی، احمدی نژاد و خیلی از چهره های این جریان، بویژه باند دولتی ها از طرف شورای نگهبان نشان داد که خامنه ای حتی به این رسیده که دولت و باند رئیسی، هم کاری از دستشان بر نمی آید. در کنار آن چهرههایی چون روحانی و خاتمی و خیلی دیگر از عناصر نظام امتحان پس داده و یا زاویه با بیت رهبری دارند.

مدیریت این انتخابات کذابی در دستور فوری خامنه ای و سپاه قرار دارد. چرا که موضوع فقط انتخابات نیست. راس نظام و توریته خامنه ای حتی در میان عناصر بالای حکومت، علیرغم تلاشش برای گردآوردن هسته اصلی نظام حول سیاستهایش، دچار شک و تردید های جدی شده است. باز گذاشتن دست شورای نگهبان در مدیریت مورد نظر خامنه ای در موضوع تأیید صلاحیتهای بخشی. از تاکتیک خامنه ای بود.

درباره این وضعیت خامنه ای در این انتخابات سیاست "مهار هدایت شده رقابت های حکومتی" را در پیش گرفت. به این معنا که چهره های شاخص دوجریان منتسب به اصولگرا و اصلاح طلب را بیرون گذاشت. چون حدس میزد با وضعیتی که کل نظام در آن گیر افتاده با رقابت های سنتی بین دو جریان حکومتیو چهره های شاخص آنها، احتمال از کنترل خارج شدن اوضاع می رود و خطر مداخله مردم در دعواهای حکومتی و تبدیل آن به عرصه یگر مبارزه برعلیه حکومت می رود، امریکه برای حکومت بشدت کشنده و زیانبار است.

خامنه ای نه می توانست ونه می خواهد انتخاباتهای رقابتی بین دو باند اصلی حکومت، نظیر ۸۸ و ۹۲ را مهندسی بکند. اوضاع درهم ریخته حکومت و اختلافات درونی آنقدر عمیق شده که نظام را ضربه پذیر تر از هر زمانی کرده است. علاوه بر این فاکتور احتمال دخالت مردم در این دعواها، بعد از انقلاب زن زندگی آزادی وارد دوره جدیدی شده است که نتیجه اش را خامنه ای دیده و نباید اینریسک را بکند.

خامنه ای و "مهار هدایت شده رقابت های انتخاباتی"

تعداد ۶ نفری که کاندید هستند ۵ نفرشان، قالیباف، جلیلی، زاکانی، پور محمدی، قاضی زاده هاشمی اصولگرا و یک نفرشان مسعود پزشکیان بعنوان "اصلاح طلب" مستقل تلقی میشود. خامنه ای با آگاهی به درهم ریختگی درونی حکومت و موقعیت بسیار ضعیف و شکننده اش در بین باندهای اصولگرای حامیاش، سیاست "مهار هدایت شده رقابت های انتخاباتی" را در دستور گذاشت. محور مهم این سیاست حذف چهره های نق زن، زاویه دار با بیت رهبری از هر دو جناح سنتی سابق و چهره های شاخص آن بود. عناصر و چهره های درجه چندم حکومتی و سپاه را به همراه یک اصلاح دو خردادی روانه رقابت های مورد نظرش کرده است.

خامنه ای، اختلافات حکومتی و مهندسی سیرک انتخابات از صفحه ۸

ترکیب کاندیداها، ۵ نفر اصولگرا و پزشک‌پسندان نزدیک به اصلاح طلبان حکومتی برای رونق بخشیدن به رقابت های انتخاباتی مورد نظر خامنه ای، یک بخش مهم این مهندسی است. پزشک‌پسندان قرار است کل ناراضیان دویخردادی و منتقدان سیاستهای خامنه ای از طیف های مختلف نظام را گرد خود آورده و تنور بی رمق این مضحکه را داغتر کند.

اتخاذ چنین سیاستی از طرف خامنه ای قبل از اینکه نشانه قدرت و نفوذ خامنه ای در میان باندهای اصولگرایش باشد، نشان از ضعف نفوذ درمیان همین باندها و نگرانی از عواقب پیش بینی نشده مضحکه انتخابات است. خامنه ای می داند که نه قالیباف، نه پورمحمدی و نه جلیلی چهره های شاخص ظاهرا مورد حمایت خامنه ای قدرت و توان گرد آوردن نیروهای کل نظام حول سیاستهای وی را ندارند. و از همه مهمتر فاکتور مردم و نگرانی خامنه ای مبنی بر اینکه می داند که درصد بسیار پائینی از مردم احتمال شرکت در انتخابات را دارند، دست به چیدن مهرهای کاندیداها، از جمله وارد صحنه کردن پزشک‌پسندان به صحنه انتخابات کرده است.

پزشک‌پسندان تلاش می کند بخش ناراضی های دوم خردادی رژیم و عناصر شاخص آن را برای آوردن شان به انتخابات و از این طریق تاثیر گذاری بر بخشی از مردم برای شرکت در این مضحکه را به پیش ببرد. اینکه وی موفق به این کار خواهد شد یا نه به شدت زیر سوال است. خود پزشک‌پسندان می داند که مردم وقتی به این مضحکه نمی گذارند. اما درعین حال وی تلاش دارد اسباب "آشتی" ناراضیان از نظام و خامنه ای را دوباره حول "مصلحتنظام و رهبری" فراهم کرده و اگر بتواند کل نظام را با همراهی خامنه ای و این عناصر و سپاه، از تند پیچ های سر راهش عبور دهد.

فاکتور رئیسی که مطیع خامنه ای بود و برخی باندهای اصولگرا را می توانست پشت بیت رهبری بخت بکند، دیگر دود شد و هوا رفت. در صف اصولگرایان حامی حکومت هم ۵ نفر را که تائید کرده و روانه رقابتهای انتخاباتی حکومت کرده اند، نشان می دهد که چه وضعیت درهم ریخته و آش و لاشی دارند که هیچ کدام از چهره های این جریان حکومتی هنوز نتوانسته اعتماد کامل خامنه ای را کسب بکند. در یک چنین وضعیتی زمزمه هایی مبنی بر کناره گیری برخی از کاندیداها، اصولگرا به نفع یک رقیب "قدرتمند"، شروع شده است تا به گفته خودشان شانس پیروزی یک کاندید اصلی شان در برابر پزشک‌پسندان، بیشتر شود. این یعنی خود این پنج نفر و بخشا خامنه ای امید چندانی به رای بالا برای کاندید مورد نظرش را ندارد. طرف یگر حامیان پزشک‌پسندان بشدت تلاش می کنند ناراضیان حکومتی را در برابر این وضعیت درهم ریخته طیف مورد حمایت خامنه ای، یعنی کاندیداها، اصولگرایان جمع کرده و شانس شان را امتحان بکنند. پزشک‌پسندان قرار است نقش ناجی این جماعت و بازگشت دوباره شان به حاکمیت و اسباب آشتی اینها با بیت رهبری را ایفا کند. اینکه این سناریو نتیجه خواهد داد یا نه، بسیار مورد تردید است.

حامیان پزشک‌پسندان و چهره های شاخص اصلاح طلبان شکست خورده حکومت اساسا بر این متمرکز شده اند که حتی اگر شده درصد بسیار کمی از مردم را پای صندوق رای بکشانند. از این طریق هم نمایش مشخره انتخابات حکومتی را تحرکی بخشیده و شاید بتوانند اعتباری برای رژیم مفلوک و درمانده، حداقل در جمع معضوبان

حکومت دست و پا بکنند. حساب مردم از کل این سیرک و نمایشات حکومتی جداست.

سیاست "مهارهدایت شده رقابت های انتخاباتی" یک هدف مهم خامنه ای در مهندسی انتخابات برای رسیدن به نتیجه مطلوب و مورد نظرش است. علیرغم تقلاها و تلاش های خامنه ای وسپاه برای سمت وسودان به نتیجه مورد نظر خامنه ای در این انتخابات، مجموعه اوضاع سیاسی نشان میدهد که نتیجه مورد نظر خامنه ای و سپاه در این مضحکه بهیچ وجه تضمین شده نیست.

موقعیت بیت رهبری و شخص خامنه ای

موقعیت خامنه ای در راس نظام در میان ارگانهای مهم حاکمیتی و عناصر اصلی رژیم، در شورای نگهبان، مجلس خبرگان و بخشا مجلس دوازدهم دچار مشکلات و ضعفهای جدی شده است. دایره و حلقه حامیان خامنه ای در این دو نهاد مهم و در کنار آن مجلس باندهای اصولگرایش، لطمات جدی خورده و به غیر از دولت بجامانده از رئیسی به جرات می توان گفت کسی دیگر حاضر نیست بی چون و چرا و بدون قید و شرط و بدون نق زدن و گلایه کردن، دنباله رو سیاستهای خامنه ای باشد.

بعد از مرگ رئیسی شک و تردید خامنه ای پیرامون کارآیی دولت حاکم در پیشبرد سیاستهای مورد نظرش روبروز برجسته شد و خامنه ای عملا دید که این دولت حتی توان پادویی ساده بیت رهبری را در مقابل سایر باندها و نهادهای دیگر حکومت ندارد. به این دلیل تصمیم به تصفیه حساب با دولت گرفت.

دار و دسته های اصولگرا که متشکل ترینش حول دولت رئیسی جمع شده بودند، فله ای در انتخابات رد صلاحیت شدند. خامنه ای فقط رئیسی را که مطیعش بود، قبول داشت بقیه فقط ابواب جمعی سیاستهای دولت رئیسی و خواسته های خامنه ای بودند.

در مجلس خبرگان از چند ماه گذشته، بویژه بدنبال نق زدن و گلایه های فقهای این شورا و بخشا زاویه داشتن با سیاستهای خامنه ای، از جمله مسئله جانشینی خامنه ای، وی دست به جابجایی های در ترکیب این نهاد به نفع باند خودش زد. در مجلس دوازدهم و جریان اصولگرایی در کنار گلایه هایی که از باند دولت رئیسی و خامنه ای دارند، مشغول سرو سامان دادن به فراکسیونهایشان بوده که به نتیجه ای فعلا نرسیده اند.

یک فاکتور بسیار مهم در این تحولات درونی حکومت، نقش سپاه پاسداران است که سنتا حول بیت رهبری است و نهادهای حکومتی را در دست دارد. بیش از ۹۸ درصد چهره های شاخص نظام سپاهی بوده و مدارج ترقی را در این نهاد سرکوبگری کرده اند. نقش سپاه در شکل دادن به جریان های سیاسی حکومتی در همسویی با سیاستها و درخواستهای خامنه ای که در چهار دهه گذشته امری پذیرفته در جنگ و دعواهای حکومتی بوده است، بعد از انقلاب زن زندگی آزادی دچار ترک ها و شکاف های جدی شده است. برخی از چهره های شاخص سپاهی سابق و فرماندهان این نهاد سرکوبگر، بویژه در مقطع آغاز انقلاب در سال ۱۴۰۱، دچار شک و تردیدهایی شدند. برخی توصیه به مدارا کردند، ولی نهایتا خامنه ای اکثر فرماندهان مهم سپاه، بویژه در استان تهران و استان مرکزی و در مناطق جنوب را تغییر داد و مسئولیت های جدیدی به تعدادی از فرماندهان درجه چندم سپاه داد تا اینها را راضی و دور و بر خودش نگه دارد.

به عنوان یک نمونه در موضوع برخورد به بی حجابی و علیرغم

ادامه در صفحه ۱۰

"خیزش بازنشستگان تیشه به ریشه میزند"

پیام حمید تقوایی به بازنشستگان مبارز

نشینید. و این مبارزه بی شک در صفوف گسترده تری ادامه خواهد داشت.

فراخوان من به همه مردم ایران، به کارگران، کارگران شاغل و بازنشسته در همه بخشها، به معلمان، به جوانان و دانشجویان، به جنبشهای اعتراضی دیگر، به جنبش دادخواهی، جنبش رهایی زن، و به فعالین و دست اندرکاران این اعتراضات اینست که با تمام قوا از تجمعات اعتراضی شما، از مبارزات شما، حمایت کنند. خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط همه عزیزانی بشوند که در روز چهارشنبه ۲۳ خرداد دستگیر شدند و همچنین آزادی همه زندانیان سیاسی.

جنبش شما، اعتراضات شما، اعتراضات برحق است در برابر حکومت و سزاوار بیشترین حمایتها و بیشترین همراهیها و همیاریها از جانب جنبشهای اعتراضی دیگر هست. از جانب تشکلهای و نهادهای مبارزاتی، چهره های مبارزاتی، که با اطلاعیه های خودشان، با اعلامیه های خودشان و نهایتا با بمیدان آمدن و در کنار شما قرار گرفتن در تجمعات خیابانی تان، از این مبارزات بر حق که حرف دل همه مردم را فریاد میزند پشتیبانی کنند.

امیدوارم جنبش شما قویتر، گسترده تر و با حمایت همه جانبه تر مردم ایران به پیش برود و به اهداف انسانی خود برسد. بار دیگر به شما درود میفرستم و دستتان را به گرمی میفشارم. حزب ما با تمام توان و امکاناتش مدافع و پشتیبان شماست. ایستاده ایم تا پایان!

۲۳ خرداد ۱۴۰۳، ۱۲ ژوئن ۲۰۲۴

به همه شما بازنشستگان مبارز و خستگی ناپذیر درود میفرستم. اعتراضات اخیر شما، از ۲۱ تا ۲۳ خرداد، نقطه اوجی در نه تنها در جنبش بازنشستگان بلکه در صفوف انقلاب زن زندگی ی آزادی و مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی بود. شما در ابعاد چند هزار نفره تجمع کردید، خواستهای برحق خودتان را اعلام کردید، و مهم تر از آن از قول کل جامعه، به نمایندگی از کل جامعه، علیه فقر و علیه فساد حکومت کیفرخواست خودتان را اعلام کردید. فریاد زدید اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد! و این شعار پایه ای و اساسی ای هست که در تمام تجمعات شما فریاد زده شده و به نظر من این جنبش را مستحق بیشترین حمایتها از جانب اقشار مختلف مردم میکند چون این درد مشترک همه است. بی تامینی اقتصادی، دره فقر و از آن طرف کوه ثروت باد آورده که با غارت و دزدی و چپاول فراهم شده درد تنها بازنشسته نیست، درد معلم، کارگر، کارمند و همه اقشار مردم است. باصطلاح نود و نه درصدیها، توده مردم به زیر خط فقر رانده شده، در این شعار شما خواست خودشان را می بینند. شما دارید جامعه را نمایندگی میکنید در برابر یک حکومت چپاولگر.

حکومت هم دقیقا این را میداند و به همین خاطر به صفوف شما حمله ور شد. به همین خاطر تلاش کرد با دستگیری، با ضرب و شتم و با تهدید و ارعاب اراده شما را درهم بشکند و مبارزات شما را عقب براند و به شکست بکشاند. ولی نتوانسته و نخواهد توانست به این هدف برسد. تا امروز نتوانسته. جامعه دیگر مرعوب نمی شود. شما نشان دادید که با این ترندها عقب نمی

خامنه ای، اختلافات حکومتی و مهندسی سیرک انتخابات

از صفحه ۹

اینکه خامنه ای و سپاه پاسداران موفق خواهند شد دار و دسته ها و باندهای مختلف حکومت را با هر درجه از گلایه و نق زدن و دوری و نزدیکی شان به سیاستهای وی حول سیاست "یکدست کردن نظام در برابر دشمنان" (بخوان مردم)، بخت نمایند، مهمترین معضل و ترس و نگرانی خامنه ای است. مهندسی سیرک انتخابات فقط یک مورد از دهها معضل خامنه ایدر بلبشوی اختلافات و کشمکش های درونی نظام است. "نه" مردم به نظام در جریان انقلاب زن زندگی آزادی مهلکترین ضربه را به انسجام و یکدستی حکومت زده و شعله اختلافات را بلند تر کرده است. خامنه ای جایگزین مطلوبی برای رئیسی ندارد. و این کار خامنه ای راسخت تر کرده است. کاندیداهای سیرک انتخابات هم هنوز نتوانسته اند اعتماد کامل وی را جلب نمایند. حکومت در هم ریخته و ضربه خورده از انقلاب مردم در یک چنین وضعیتی دارد انتخابات برگزار میکند. نتیجه این انتخابات هرچه باشد و چه کسی را خامنه ای از صندوق بیرون بیاورد، برای مردم فرقی ندارد. مردم انتخابشان را کرده اند. جمهوری اسلامی باید گورش را گم بکند. *

کل تلاش ها و تقلای حکومت و درخواست خامنه ای طرح حجاب و عفاف هنوز که هنوز است تصویب نشده ولی خامنه ای اصرار برای اجرای آن دارد که هیچ نهادی ظاهرا مسئولیت مستقیم اجرای آن را به عهده نگرفت و پاسداران فرمانده فراجا تنها فرمانده سپاه بود که به خامنه ای لبیک گفت و هارت و پورت کرد که طرح نور را پیش می برد. نتیجه اش را دیدیم نه باندهای مجلسی و نه جریانات دور و بر بیت رهبری و نه سایر فرماندهان ارشد سپاه حول این درخواست خامنه ای و سیاست اجرایی رادان بخت نشدند. و این پیام سیاسی روشنی برای خامنه ای و بیت رهبری دارد. چهره های برجسته و باسابقه سپاه در طول چهار دهه گذشته که در همه نهادهای نظام در راس امور بوده اند، اکنون بابیترهبری زاویه پیدا کرده اند. بیش از ۷۰ درصد چهره ها و عناصر برجسته نظام مورد غضب خامنه ای قرار گرفته و از دم و دستگاههای حاکمیتی کنار گذاشته شده و تعدادی هم کشته شده اند.

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

این حزب تنیده شده در انقلاب زن زندگی آزادی است

سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی در کنگره سیزدهم

منسوبش میکنند. اجتماعا اینطور است. ما نه قراری برای کارگری نوشته ایم و نه منشوری صادر کرده ایم که به اسم کس دیگری منتشر کنیم، ولی مضمون این منشورها، خواست آنها، و شعار آنها برای کسی که حتی اندک آشنائی با حزب کمونیست کارگری ایران و شرایط سیاسی ایران داشته باشد میگوید این منشور مال آن حزب است. دوست و دشمن. دشمن بما حمله میکند که چرا سند خودتان را به اسم کس دیگری منتشر میکنید، و دوست کلاه از سر برمیدارد و میگوید مثل این که این حزب همه جا هست. و نه فقط دوست. مقام جمهوری اسلامی می گوید این حزب اعتراض است. مثل اینکه اینها همه جا هستند. میگوید چپ رادیکال دانشگاهها را برداشته و همه میدانند این چپ رادیکال که در دانشگاهها فعال است چه نیروی است.

این حزب است که در قطعنامه اش میگوید چطور باید موانع سر راه انقلاب را رفع کرد. چطور باید انقلاب را بجلو سوق داد. حزبی که در میان بازنشستگان و در میان کارگران آن تأثیرات را مدتها قبل از انقلاب زن زندگی آزادی داشته امروز انگشت می گذارد روی مسائل طبقه کارگر و میگوید چطور باید متحدش کنیم. حول چه باید متحدش کنیم. چطور باید منشور ۲۰ تشکیل را بکنیم منشور ۲۰۰ شکل. منشور ۵۰۰ شکل. چطور متحد کنیم بخشهای مختلف جنبش کارگری را. میدانید چه چیزی مانع اتحادشان است؟ نه اینکه اهمیت نفس اتحاد را کسی نمیدانند. سیاستهای احزاب و نیروهای راست و نیمچه اصلاح طلب نیمچه جمهوری اسلامی چی تا نیروهای ایدئولوژیک مانع هستند. ما با اینها کشتی گرفته ایم، با اینها درگیریم، در جنبش معلمان در جنبش بازنشستگان در جنبش کارگری، در دانشگاهها، در کانون نویسندگان در جنبش دادخواهی، در جنبش بی حجابی، ما با اینها درگیریم. ما وقتی در قرارها و قطعنامه هایمان از اتحاد صحبت میکنیم اتحاد حول سیاستهای انسانی، سیاستهای رادیکال سیاستهای که تیشه به ریشه میزند را مطرح میکنیم.

من در شروع کنگره هم گفتم که اگر تیشه به ریشه نزنید این درخت نمی افتد. حتی سر شاخه هایش را نمیتوانید قطع کنید. اگر دست به ریشه نبرید جمهوری اسلامی سر جایش نشسته است. و همه نیروهایی که میخواهند فقط ظاهر را عوض کنند، میخواهند دولت مافوق مردم را نگهدارند و تنها اسمش را عوض کنند، میخواهند بوروکراسی را نگه دارند اسمش را عوض کنند، بسیج و سپاه و ارتش را نگهدارند و فقط اسمشان را عوض کنند، اینها جمهوری اسلامی را نگه میدارند. حتی اسمش را نمیتوانید

در ابتدای این کنگره اعلام کردیم که در ایران یک تحول تاریخی دارد اتفاق می افتد و امیدواریم این کنگره یک تحول تاریخی برای حزب ما باشد و برای جامعه ایران. نمیدانم چقدر به این رسیدیم و چقدر اینطور خواهد بود. این را آینده نشان خواهد داد. ولی حزب در این کنگره قرارها و قطعنامه هائی را تصویب کرد، گزارشهای را شنید، پیامهای دریافت کرد و پیامهای داد، و نفس مضمون همین ها نشان می دهد که حزب کجای نقشه سیاسی ایران قرار گرفته است. ما در قطعنامه مان در مورد انقلاب زن

زندگی آزادی بیشتر از پنج شش نکته اعلام نکردیم. متحد کردن جنبش کارگری، متحد کردن اکتیویستها و دست اندرکاران انقلاب زن زندگی آزادی، برجسته کردن منشورهای انقلاب بایکوت جمهوری اسلامی و یکی دو نکته دیگر. ولی چه چیزی نشان میدهد که این پنج شش وظیفه واقعا عملی است و این حزب وقتی از اقدامی صحبت میکند واقعا میخواهد و میتواند آن کار را انجام بدهد؟ این فقط اعلام مواضع نیست. چه چیزی این را نشان میدهد: گزارشهای که شنیدیم، پیامهای که دادیم و پیامهای که از ایران دریافت کردیم. این نشان میدهد که این حزب حزبی است که شایسته و لایق تصویب قطعنامه ای هست برای پیشبرد انقلاب و برای رهبری انقلاب. آن گزارشها و آن پیامها، چه پیامهای که کنگره داد و چه پیامهای که از داخل گرفت، نشان میدهد این حزب اهل عمل است، دست اندرکار است، این حزب دخیل است، این حزب تنیده شده در انقلاب زن زندگی

من در شروع کنگره هم گفتم که اگر تیشه به ریشه نزنید این درخت نمی افتد. حتی سر شاخه هایش را نمیتوانید قطع کنید. اگر دست به ریشه نبرید جمهوری اسلامی سر جایش نشسته است. و همه نیروهایی که میخواهند فقط ظاهر را عوض کنند، میخواهند دولت مافوق مردم را نگهدارند و تنها اسمش را عوض کنند، میخواهند بوروکراسی را نگه دارند اسمش را عوض کنند، بسیج و سپاه و ارتش را نگهدارند و فقط اسمشان را عوض کنند، اینها جمهوری اسلامی را نگه میدارند. حتی اسمش را نمیتوانید عوض کنید. انقلاب زن زندگی آزادی اعلام کرده است که نمیخواهد، نمیگذارد.

آزادی است. و چنین حزبی دارد میگوید موانع چیست و چطور باید بر آنها فائق آمد. حزبی که اینجا از فعالیتهایش در دفاع از سوختبران و کولبران گزارش میدهد. از داغ لعنت خوردگان، همانهایی که در سرود انترناسیونال می شنویم: بپا خیزید داغ لعنت خوردگان. به نظر من در ایران داغ لعنت خوردگان را بیشتر از هر قشر دیگری از طبقه کارگر کولبران و سوختبران نمایندگی میکنند.

حزبی که از فعالیتهایش برای رهبری و پیشبرد جنبش علیه آپارتاید جنسیتی در افغانستان گزارش میدهد. متکی بر چندین سال و مدتها قبل از انقلاب زن زندگی آزادی ارتباط گرفتن با زنان معترض افغانستان و فعالیت کردن علیه نیروهای اسلامی در افغانستان. این حزب است که پیام میدهد به زنان افغانستان که در جنبش علیه آپارتاید جنسیتی کنار شما هستیم و جنبش شما و جنبش زنان ایران، در هم تنیده است و این کنگره حلقه ای است که این اتصال را ایجاد میکند. این حزبی است که در جنبش بازنشستگی، در جنبش کارگران نفت، در جنبش معلمان همه جا آثارش را میتواند ببینید. بطوری که دوست و دشمن وقتی کارگران منشور یا شعاری میدهند، میگویند مال این حزب است. به ما

آزادی و استرداد حمید نوری محکوم است

آزادی حمید نوری بوسیله دولت سوئد در برابر آزادی دو شهروند سوئدی تسلیم شدن این دولت به گروگان گیری و باج خواهی جمهوری اسلامی است.

در یک اقدام فضاحت بار، دو شهروند سوئدی که بدون هیچ جرمی بوسیله جمهوری اسلامی گروگان گرفته شده بودند با یک زندانی جنایتکار که طی بیش از نود جلسه محاکمه علنی و نزدیک به صد شاک و شاهد، به جرم جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت و مشارکت مستقیم در قتل عام زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ محکوم شده بود، مبادله گردید! این شرم آور است!

آزادی حمید نوری بعد از تحمل ۴ و سال و نیم زندان و استردادش به ایران، بازگرداندن یک قاتل به محل ارتکاب جرم است. این اقدام دولت سوئد هم از نظر قضائی و هم از لحاظ سیاسی عملی به غایت ارتجاعی و ضد مردمی است که باید از جانب هر نیروی آزادیخواهی قاطعانه محکوم شود.

آزادی شهروندان سوئدی و همه کسانی که بوسیله جمهوری اسلامی به گروگان گرفته شده اند از جمله آزادی احمدرضا جلالی باید یک امر همه آزادیخواهان باشد اما تسلیم شدن به سیاست گروگانگیری جمهوری اسلامی راه حل نیست بلکه ترغیب تروریستهای حاکم بر ایران بر ادامه این سیاست ضدانسانی است. آزادی و استرداد تبادل زندانیان و یا اسرا بین دو دولت در حال جنگ نیست، بلکه تمکین به تروریسم اسلامی است. حمید نوری اسیر جنگی نبود، در یک داگاه علنی و شفاف و منصفانه به جرم جنایت علیه مردم ایران محکوم شده بود و آزادی و بازگشت او به ایران، مانند آزادی اسدالله اسدی از جانب دولت بلژیک، بیانگر سازش این دولتها با یکی از جنایتکارترین و رسوا ترین حکومت‌های عصر حاضر است.

این زد و بند اما ذره‌ای از تأثیر پیروزمندانه افشا جنایات بی‌شمار اسلامی در محاکمات حمید نوری نمی‌کاهد. جنبش عظیم دادخواهی با پیروزی و قدرت، با مستندات غیرقابل انکار، با بیدار کردن وجدان بشریت متمدن در سطح بین‌المللی، توانست کشتار خونین و جنایات دهه ۶۰ و هولاکاست اسلامی را رسماً در دادگاهی حقیقی و معتبر و با صلاحیت جهانی، ثابت کند!

این یک دستاورد مهم مردم ایران است و قابل بازپس گرفتن نیست. باید تلاش کرد که همه سران و مقامات جنایتکار جمهوری اسلامی در دادگاههای بین‌المللی محاکمه و به جرم جنایت علیه بشریت محکوم شوند. آزادی حمید نوری ها و اسدالله اسدی ها نه تنها نباید ما را در پیگیری تعقیب و محاکمه جانین حاکم بر ایران سست و مردد کند بلکه برعکس باید با عزم و اراده و تلاشی دو چندان مبارزه برای تعقیب و محاکمه همه سران و مقامات جمهوری اسلامی و بایکوت جهانی این رژیم جانی را پی گرفت. این نبردی است علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و علیه هر نوع سازشی با این رژیم!

ما همه فعالین جنبش دادخواهی و دست اندرکاران انقلاب زن زندگی آزادی را به مبارزه متحد برای محاکمه سران و مقامات جمهوری اسلامی و بایکوت جهانی این رژیم فوق ارتجاعی و ضد انسانی فرا میخوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ خرداد ۱۴۰۳، ۱۵ ژوئن ۲۰۲۴

این حزب تنیده شده در انقلاب زن زندگی آزادی است
از صفحه ۱۱

عوض کنید. انقلاب زن زندگی آزادی اعلام کرده است که نمیخواهد، نمیگذارد. نمیشود بقول منصور حکمت به این جامعه یک ذره آزادی داد و درش را بست. یک میلیمتر آزادی بدهی هزار کیلومتر را ازت میگیرد. و این را میدانند. هم جمهوری اسلامی میدانند و هم مخالفینی که میخواهند این سیستم را حفظ کنند و فقط سرشاخه های آخوندی اش را بزنند. میدانند اگر تیشه به ریشه بزیم دیگر نه از تاک نشانی میماند نه از تاکشان. طبقات به هوا میروند. تبعیض طبقاتی به هوا میروند. دره بین فقر و ثروت به هوا میروند. و کسی که صاحب ثروت است نمیخواهد این اتفاق بیفتد. میگوید کمی درستش کنیم، فراموش نکنیم ولی ببخشیم، سپاه و بسیج هم زیاد بد نیست، بعد هم به کمک آمریکا و سرمایه داری بازار آزاد جامعه ای میسازیم مثل فرانسه. این دروغ است! اگر میتوانستید این کار را بکنید از انقلاب مشروطه تا حالا صد سال وقت داشتید. قدرت که دست ما نبود، دست طبقه کارگر که نبود، دست شمائی بود که میخواستید اصلاح کنید و مشروطه بیاورید، ایران را فرانسه کنید، قانون اساسی بلژیک را پیاده کنید. کو؟ قانون اساسی بلژیک چی شد بعد از صد سال؟!

دیکتاتوری بخاطر بدجنسی. شاهان و آخوندها نیست. ضرورت سرمایه داری در ایران است. و کسی میتواند آزادی را بیاورد حتی بمعنی حقوق بشری، حتی به معنی پارلمان سوئیس و سوئد، که در ایران تیشه بزند به ریشه قدرت یک درصدیها در اقتصاد و در سیاست. ما چون آزادیخواهیم، چون انساندوستیم چون آزادیهای بی قید و شرط میخواهیم که قرارش را تصویب کردیم، چون میخواهیم مذهب را جارو کنیم نه فقط از دولت بلکه بعنوان رسوبات پوسیده و گندگرفته در مغزهای انسانها، تکانشان بدهیم و بگوئیم این سم را از ذهنت خارج کن، چون میخواهیم این کارها را بکنیم میتوانیم جمهوری اسلامی را بیندازیم. اگر این کار را نکنید این رژیم سرجایش هست. و آن حزبی که میخواهد این کار را بکند. آن پیامها را می دهد، آن پیامها را میگیرد، آن گزارشات را میدهد، آن قطعنامه ها را صادر میکند.

این که ما کجای تاریخ ایران هستیم، آیا همانطور که انقلاب زن زندگی آزادی یک تحول تاریخی است حزب ما هم چنین هست یا نه؟ این را من و شما نشان خواهیم داد. ما که از این کنگره بیرون میرویم نشان خواهیم داد. ما با پیاده کردن این قرارها، این قطعنامه ها، این میثاقها، این قول و قرارهایی که به خودمان دادیم و به مردم ایران دادیم، انقلاب زن زندگی آزادی را پیش میبریم، پیروز میکنیم و سوسیالیسم و انسانیت رفاه و رهائی واقعی را در آن جامعه برقرار میکنیم.

موفق باشید.

۲۱ خرداد ۱۴۰۳، ۱۰ ژوئن ۲۰۲۴

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO



وسيعا از روز جهانی حمايت از زندانيان سياسي ۲۰ ژوئن حمايت كنيم

شمار قابل توجهی از فعالین کارگری، معلمان معترض در کنار هزار زندانیان سیاسی دیگر هم اکنون در زندانند. اسامی معلمان و کارگران زندانی از جمله عبارتند از: رضا شهبانی، حسن سعید، داوود رضوی، نسرین جوادی، ناهید خداجو، عثمان اسماعیلی، عباس دریس، رضا اقدسی، شریفه مجدی، کیوان مهتدی، مهران رئوف، سپیده قلیان، ریحانه انصاری نژاد، ابوالفضل غسالی (از کارگران زندانی و فعالین حامی جنبش کارگری) راحله راحمی پور (خانواده دادخواه و بازنشسته) و سلمان الفتی، مریم زلکه، نجات انورحمیدی، رسول بداتی، هاشم خواستار، ناهید شیرپیشه، جواد لعل مجدی، احمد علیزاده، زینب همزنگ، اصغر امیرزادگان، عزیز قاسم زاده، امان جلالی نژاد، مجدحسین سپهری (از معلمان زندانی) سیسل کولر، ژاک پاری (دو معلم از فرانسه که به جرم تماس با فعالین کارگری با اتهام جاسوسی بازداشت شده اند) در مقابله با سرکوبگریهای حکومت، زنان شجاعانه ایستاده اند و فضای غالب خیابانها بی حجابی است. این شرایط تاکیدی بر گرامیداشت قدرتمند تر روز جهانی حمايت از زندانيان سياسي در ایران و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه اعدامها یک عرصه مهم مبارزه در تداوم قدرتمند انقلاب است.

۲۰ ژوئن روز اعتراض برای آزادی زندانیان سیاسی، بهترین فرصت است که صدای اعتراض خود را علیه جنایات و سرکوبگری های حکومت اسلامی بلند کنیم و خواستار آزادی تمامی زندانیان سیاسی شویم. ما خواهان بایکوت جهانی رژیم اسلامی و اخراج آن از سازمان جهانی کار و دیگر نهادهای بین المللی هستیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی، ۱۲ ژوئن ۲۰۲۴
shahla.daneshfar2@gmail.com
<http://free-them-now.com>

۲۰ ژوئن روز جهانی حمايت از زندانيان سياسي است. کمیته آزادی زندانیان سیاسی پس از چهارده سال تلاش و مبارزه برای جهانی کردن سی خرداد- بیست ژوئن، امسال این روز را به جایگاه "مبارزات زنان در جامعه"، "شکنجه دارویی"، "بازداشت خانواده های دادخواه و فعالین"، "دخالت و سرکوب فراملی" و "احکام اعدام" اختصاص داده است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی از این فراخوان کاملا پشتیبانی میکند و از همه تشکلهای کارگری و نهادهای انساندوست در سراسر جهان انتظار دارد که همبستگی خود را با کارگران و معلمان زندانی و تمام زندانیان سیاسی اعلام کنند و از مبارزات بر حق مردم در ایران برای دستیابی به آزادی و زندگی انسانی وسیعا پشتیبانی کنند و به هر شکل که میتوانند در آکسیون های اعتراضی ای که در این روز علیه حکومت اسلامی سرکوبگر در شهرهای مختلف برگزار میشود شرکت کنند و پیام همبستگی دهند.

امسال در دو سالگی انقلاب زن زندگی آزادی، روز حمايت جهانی از زندانيان سياسي جایگاه سیاسی برجسته تری پیدا کرده است. بویژه بدنبال سرکوب گسترده مبارزات مردمی و فروکش کردن اعتراضات در کف خیابان جمهوری اسلامی ماشین سرکوب و جنایاتش را فعالتر کرده تا دستاوردهای انقلاب را پس بگیرد و کل جامعه را عقب زند. طی این دو سال هزاران نفر بازداشت شدند. آزار و شکنجه زندانیان در درون زندانها ابعاد جنایتکارانه تری بخود گرفت و اعدامها نیز گسترش یافت. هم اکنون ما شاهد بیشترین فشارها بر معلمان، فعالین کارگری، دانشجویان، خانواده های دادخواه و تشکلهای مردمی هستیم. در این اوضاع و احوال تشدید سرکوبگریها علیه فعالین کارگری و معلمان به حد غیرقابل تحملی رسیده است و وضعیت در ایران اضطراری است و زندانیان سیاسی نیاز به وسیعترین حمايت های بین المللی دارند.

آزادشان کنید!

FREE THEM NOW

June 20th: International day in support of political prisoners in Iran



FREE ALL JAILED WORKERS AND TEACHERS IN IRAN

اسامی برخی از فعالین کارگری زندانی: داوود رضوی، رضا شهابی، حسن سعیدی، نسرتین جوادی، ناهید خداجو، عباس دریس، رضا اقدسی، شریقه محمدی، عثمان اسماعیلی، کیوان مهدی، مهران رونق، سبیده قلیان، ریحانه انصاری نژاد، ابوالفضل غسالی، راحله راحمی پور (خانواده دادخواه و یازنشسته)،

اسامی برخی از معلمان زندانی: سلمان الفتی، مریم زلکه، رسول بدافی، هاشم خواستار، ناهید شیرپیشه، جواد نعل محمدی، احمد علیزاده، زینب همرنگ، اصغر امیرزادگان، عزیز قاسم زاده، امان جلالی نژاد، محسنین سپهری، سیسل کولر، ژاک پاری،

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

سایر اطلاعیه‌های هفته اخیر

۲۰ خرداد: تجمعات هزاران نفر از بازنشستگان در

شهرهای مختلف

در تهران، اصفهان، اهواز، کرمانشاه و شوش بازنشستگان تجمع کردند

امروز ۲۰ خرداد یکی از روزهای پر جنب و جوش اعتراضی بازنشستگان و تجمعات بزرگشان در شهرهای مختلف بود. در این روز در تهران بار دیگر دو هزار معلم بازنشسته ۱۴۰۲ با شعار "فریاد فریاد از اینهمه بیداد" جلوی وزارت آموزش و پرورش تجمع کرده و پیگیر مطالباتشان شدند. در این تجمع هنگامیکه نیروی انتظامی قصد مداخله داشت با هو کردن جمعیت روبرو شد. این بازنشستگان به بی پاسخ ماندن مطالباتشان آنهم بعد از سی سال خدمت معترضند. تجمع قبلی آنها در ۲۶ فروردین درست در هنگامیکه حکومت پهبادها و موشکهایش را به طرف اسرائیل روانه کرد و در فضای بشدت امنیتی ای که ایجاد شده بود برگزار شد و در آن ده هزار بازنشسته شرکت داشتند.

خواستهای فوری این بازنشستگان عبارتند از: پرداخت پاداش بازنشستگی که یک سال تاخیر داشته است، پرداخت معوقات حقوق مربوط به زمان اشتغال، اجرای صحیح، کامل و سریع قوانین برای محاسبه حقوق بازنشستگی، پرداخت معوقات حقوق مربوط به زمان بازنشستگی، پرداخت معوقات تغییر رتبه در زمان شاغلی و اعمال احکام تغییر رتبه در حقوق بازنشستگی و پرداخت معوقات مربوط به آن، اجرای همسان سازی حقوقها و افزایش آن به بالای سبد معیشت سی میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و اختلاسها و دزدها.

امروز بیستم خرداد همچنین جمعیت قابل توجهی از بازنشستگان فولاد اصفهان دست به تجمع زدند و با فریاد شعارهای "فولادی داد بزن حق تو فریاد بزن"، و "نه مجلس، نه دولت نیستند بفکر ملت" راهپیمایی کردند و فضای پر شوری از اعتراض را شکل دادند.

از سوی دیگر در این روز بازنشستگان تامین اجتماعی در همراهی با بخش های دیگر بازنشستگان به روال یکشنبه های هر هفته در اعتراض به فقر و بی تامینی در شهرهای اهواز، شوش، تهران و کرمانشاه تجمع کردند. در کرمانشاه بازنشستگان کشوری و مخابرات نیز شرکت داشتند و یکی از بازنشستگان پیرامون فقر و پیامدهای آن سخنرانی کرد و سخنان او با کف زدن شرکت کنندگان مورد تایید قرار گرفت. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان شعار میدادند: "از خوزستان تا گیلان، مرگ بر مدیران"، "حسین حسین شاعرشون، دروغ و دزدی کارشون"، "کشور و غارت کردن، ما را بیچاره کردن"، "تامین اجتماعی، از انحصار دولت آزاد باید گردد"، "فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون"، "حقوق نصفه نیمه، سکوت کنیم همینه"، "معیشت، درمان، نابودتر از هر زمان"، و "هراختلاس رو میشه، چندتا مسئول پشتشه". بخش های مختلف بازنشستگان در کرمانشاه برای روز سه شنبه به تجمع مشترک و بزرگی برای فریاد دردهای مشترکشان فراخوان داده اند. اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد یک شعار مهم تجمعات این

بازنشستگان است که خطابشان به همه مردم در اعتراض به فقر و بی تامینی و بساط چپاولگری حاکم است. در تهران بازنشستگان تامین اجتماعی، کشوری و فولاد در کنار هم تجمع داشتند و با شعار "تهدید زندان هرگز اثر ندارد" پاسخ محکمی به سرکوبگری های حکومت دادند. این بازنشستگان در اعتراض به فقر و بساط چپاولگری حکومت شعار میدادند: "قناعت، ریاضت، تحمیل شده به ملت!"، "صندوق خالی کردند، ما را بیچاره کردند!".

در شوش بازنشستگان از شهرهای کرخه، هفت تپه و شوش در گرمای بالای پنجاه درجه تجمع کردند و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را بلند کردند. بازنشستگان شعار میدادند: "کشور شده چند پاره بخور بخور تو کاره"، "گرانی تورم بالای جان مردم"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "زیر بار تورم، شکسته پشت مردم"، و "ننگ ما ننگ ما مخبر الدنگ ما".

راهپیمایی و تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی شوش در اعتراض به فقر، تورم و گرانی، دستمزدهای ناچیز و نامساعد، به فساد و غارت، به تبعیض و نابرابری ها بود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ خرداد ۱۴۰۳، ۹ ژوئن ۲۰۲۴

تجمعات بازنشستگان مخابرات و

اعتصاب کارگران شرکت کربنات سدیم کاوه

امروز ۲۱ خرداد بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه های گذشته در شهرهای مختلفی از جمله زنجان، تبریز، سنج، بیجار، بندر عباس دست به تجمع زدند و پیگیر مطالباتشان شدند. این بازنشستگان در روز ۲۰ خرداد نیز همراه با بازنشستگان تامین اجتماعی در تهران تجمع داشتند. اعتراض بازنشستگان به فقر، بی تامینی، اختلاسها و سرکوبگریهای حکومت است. بازنشستگان مخابرات همچنین به عدم اجرای آئین نامه استخدامی و رفاهی ۱۳۸۹ که میتواند بهبودی در وضع دریافتی آنها ایجاد کند اعتراض دارند. در این تجمعات بازنشستگان با شعار "شرکت پر درآمد چه برسر تو آمد" صدای اعتراض خود را علیه چپاولگریهای حاکم بلند کردند.

اعتراضات بازنشستگان ابعاد گسترده و سراسری ای دارد. روز گذشته ۲۰ خرداد یک روز پر جنب و جوش اعتراضی بخش های مختلف بازنشستگان بود. بازنشستگان در کرمانشاه برای ۲۲ خرداد در اعتراض به فقر و فساد و بی تامینی، فراخوان به تجمع وسیع و بزرگی داده و همه بخش های بازنشستگان را به شرکت در آن فراخوانده اند.

روز ۲۱ خرداد همچنین کارگران شرکت کربنات سدیم کاوه فیروز آباد در اعتراض به سطح نازل دریافتی های خود برای دومین روز متوالی دست به اعتصاب و تجمع زدند. در این تجمع بزری با نوشته "دستمزد عادلانه، زندگی شایسته، حق مسلم ماست" قابل توجه بود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ خرداد ۱۴۰۳، ۱۰ ژوئن ۲۰۲۴

اضافه کاری های اجباری و ارزان و معوقات چند ماهه خود مقابل استانداری تجمع کردند. پرستاران شعار میدادند: "پرستار داد بزن، حق تو فریاد بزن"، و "پرستار بیدار است، از تبعیض بیزار است".

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ خرداد ۱۴۰۳، ۱۱ ژوئن ۲۰۲۴

حمله سرکوبگران حکومت به بازنشستگان را شدیداً محکوم میکنیم

سومین روز تجمع اعتراضی بازنشستگان در تهران

امروز چهارشنبه ۲۳ خرداد در سومین روز تجمع اعتراضی بازنشستگان فرهنگی ۱۴۰۰، صدها بازنشسته در اعتراض به فقر و فساد و بی تامینی و بی پاسخ ماندن مطالباتشان در مقابل سازمان برنامه و بودجه در تهران تجمع و اعتراض کردند.

حکومت اسلامی که از تجمع هزاران نفره بازنشستگان در دو روز گذشته و طنین شعارهای اعتراضی آنها به وحشت افتاده است، امروز نیروی سرکوب بسیاری را در محل مستقر کرده بود. بنا بر گزارشات این نیروها برای بازنشستگان را مورد حمله قرار داده و تلاش کردند مانع تجمع آنها شوند. آنها بازنشستگان را به زور به چند دسته متفرق کردند و آنها را با فشار و تهدید به طرف میدان بهارستان سوق دادند. اما بازنشستگان همچنان مقاومت کرده و چندین بار مسافت میدان بهارستان تا سازمان برنامه و بودجه را طی کردند و بالاخره بعد از ساعت ۱۲ مجبور به ترک محل شدند. در جریان این کشاکش و حمله نیروهای سرکوب دهها بازنشسته دستگیر شدند. شماری نیز که عمدتاً زندان بودند توسط معترضین از چنگ سرکوبگران رها شدند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگی و شورای بازنشستگان ایران ضمن گزارش این خبر حمله وحشیانه نیروهای سرکوب به بازنشستگان و دستگیریها را محکوم کردند.

حزب کمونیست کارگری با حمایت قاطع از خواستها و اعتراضات بازنشستگان حمله به بازنشستگان در تهران و دستگیری آنها را شدیداً محکوم کرده و بخش های مختلف بازنشستگان، کارگران و تشکلهای کارگری و مردمی را به حمایت و پشتیبانی همه جانبه از اعتراضات بازنشستگان فرا میخواند. دستگیر شدگان تجمع امروز باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

بازنشستگان تحت ستم ترین بخش مردم هستند و حق بی چون و چرای آنهاست که به اجحافات که بر آنها میشود اعتراض کنند. حکومت دزد و چپاولگر و منفور اسلامی حقوق برحق این بخش از مردم زحمتکش را نیز که سالهای سال بعنوان کارگر و معلم و کارکنان ادارات، کار و تلاش کرده اند، بالا میکشد و وقتی به این دزدی و اختلاس و تبعیضات اعتراض میکنند، سرکوبگران و مزدورانش را به جان بازنشستگان می اندازد. باید بطور فعال و سراسری به حمله حکومت به بازنشستگان اعتراض کرد و آزادی فوری همه دستگیر شدگان را مورد تاکید قرار داد. بازنشستگان معترض در قلب همه مردم جای دارند و تهاجم امروز حکومت به آنها بطور قطع جز تشدید نفرت و خشم مردم علیه این حکومت منفور نتیجه ای نخواهد داشت.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ خرداد ۱۴۰۳، ۱۲ ژوئن ۲۰۲۴

تجمعات بزرگ بازنشستگان در تهران و کرمانشاه، پرستاران شیراز، ادامه اعتصاب کارگران کربنات سدیم کاوه و اخباری دیگر

امروز بیست و دوم خرداد جمعیت بزرگی از بازنشستگان در تهران در اعتراض به فقر و فساد و بی تامینی و نیز بخاطر عدم اجرای کامل رتبه بندی و پاداش پایان خدمت برای پیگیری مطالبات خود مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند. بازنشستگان ۱۴۰۰ نیز در ادامه تجمع روز گذشته خود در تجمع امروز نیز شرکت داشتند. در این تجمع اعتراضی حضور زنان چشمگیر بود و فریاد شعارهای اعتراضی بر فضای خیابان طنین انداخته بود. بازنشستگان شعار میدادند: "قدرت ما جمع ماست، رتبه بندی حق ماست"، "فقط دروغ شنیدیم، عدالتی ندیدیم"، "فکر نکنید یه روزه، قرار ما هر روزه"، و "با اهل قلم هرکه درافتاد ورافتاد".

طبق گزارشات، بازنشستگان ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ بدلیل اینکه صندوق بازنشستگی کشوری احکام رتبه بندی را برای بازنشسته های مشمول به اجرا نگذاشته است، از مزایای رتبه بندی بهره مند نشده اند.

در این روز همچنین بازنشستگان کشوری در کرمانشاه همراه با بازنشستگان تامین اجتماعی، مخابرات و علوم پزشکی در اعتراض به فقر، تورم و گرانی، دستمزدهای ناچیز، فساد و غارت، و تبعیض و نابرابری و جنگ حکومت علیه زنان برای عقب زدن کل جامعه، در برابر صندوق بازنشستگان استان تجمع کردند و شعارهای اعتراضی خود را سر دادند. یک موضوع مهم اعتراض آنها عدم اجرای همسان سازی حقوقها است. اجرای همسان سازی و افزایش آن به بالای نرخ سبد معیشتی ۳۰ میلیون تومان و درمان رایگان دو خواست کلیدی بازنشستگان است. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان از جمله شعار میدادند: "فریاد، فریاد از اینهمه بیداد!"، "روسری رو رها کن، فکری به حال ما کن!"، "بیکاری، تورم، بلای جان مردم!"، "معلم زندانی آزاد باید گردد!"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد!"، و "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد".

در تجمع اعتراضی کرمانشاه یکی از بازنشستگان در رابطه با بساط انتخاباتی حکومت سخنرانی کرد و گفت: "در ادوار گذشته، کاندیدی که میگویند تأیید شد و به اصطلاح رأی آورده، نداشته ایم و با این ساختار هم نخواهیم داشت که در خدمت مردم باشد. بارها گفتیم و باز هم میگوییم مسئولین در این ساختار، جز زیر پای خود که همان منفعت طلبی شخصی است چیزی نمی بینند. (کف زدن حضار) ساختار به گونه ای عمل کرده که زندگی را از ما گرفته و ما را با چیزهایی بسیار پیش پا افتاده خسته کرده....". سخنان او با استقبال جمعیت روبرو شد و تجمع کنندگان شعار دادند: "کاندیدا های دورگو حاصل وعده ها کو". اعتراضات بازنشستگان ابعاد گسترده تری پیدا کرده است. بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه هستند. از مبارزات آنها وسیعاً حمایت کنیم.

روز ۲۲ خرداد همچنین کارگران شرکت کربنات سدیم کاوه فیروز آباد در اعتراض به سطح نازل دریافتی های خود برای سومین روز دست به اعتصاب و تجمع زدند. خبر دیگر اعتراضی در این روز مربوط به تجمع کارگران اخراجی پیمانکاری پتروشیمی ارغوان گستر در ایلام است. در اصفهان نیز کارگران پیمانکاری شرکت فراب در پتروشیمی اصفهان در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدها و مشکلات معیشتی خود دسته به اعتصاب و تجمع زدند. آخرین خبر اینکه روز گذشته ۲۱ خرداد پرستاران در شیراز بار دیگر در اعتراض به سطح نازل حقوقها، اجرای تبعیض آمیز و سلیقه ای قانون تعرفه گذاری، فشار سنگین کاری و

از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۳ تا ۱۸ خرداد ۱۴۰۳

جمعه ۲۵ خرداد

- روح الله خسروی زندانی سیاسی، علیرغم گذشت بیش از ۹ ماه از زمان بازداشت، کماکان در زندان شیبان اهواز به صورت بلا تکلیف در بند است. او در اول شهریور ۱۴۰۲ توسط نیروهای سرکوبگر امنیتی در ایذه دستگیر شد و تاکنون از حق ملاقات و دسترسی به وکیل منتخب محروم بوده است. خسروی پیش از دستگیری، از مادرش سرپرستی میکرد و تداوم بازداشت او، تاثیر مخربی بر وضعیت بیماری مادرش داشته است.

پنجشنبه ۲۴ خرداد

- اعتصاب کارگران شهرداری سریندر در اعتراض به سه ماه عدم پرداخت حقوق و حق بیمه خود وارد پنجمین روز شده و کارگران اعتصابی از جمع آوری زباله ها در سطح شهر خودداری کرده و با تجمع در مقابل ساختمان شهرداری و شورای شهر پیگیر مطالباتشان شدند.

- قراز بازداشت امان جلالی نژاد، معلم اهل اهواز، پس از گذشت بیش از ۶۵ روز از زمان بازداشت در زندان شیبان، به مدت یک ماه دیگر تمدید شد. وی روز دوشنبه بیست و یکم خردادماه، در شعبه ۱۳ دادسرای انقلاب اهواز تحت عنوان تبلیغ علیه نظام تفهیم اتهام شد.

چهارشنبه ۲۳ خرداد

- به گزارش شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران زندانی سیاسی، نجات انور حمیدی، در اسفند ۹۷ برای اجرای حکم ۱۵ سال حبس به زندان سپیدار اهواز منتقل شد. وی در طول دوران حبس حتی یک روز مرخصی استعلاجی هم نداشته است. نجات انور حمیدی از اختلال در عملکرد تیروئید، فشار خون، چربی خون و سردرد مزمن رنج می برد. او همچنین از ناحیه هر دو چشم دچار آب مروارید است و به دلیل عدم رسیدگی دچار خونریزی هم شده است. شکنجه دارویی یعنی عدم دسترسی زندانیان به خدمات پزشکی از شکنجه های سیستماتیک حکومت برای آزار و اذیت زندانیان است که با هدف مرعوب ساختن زندانیان انجام می شود.

سه شنبه ۲۲ خرداد

- هوای ۹ شهر خوزستان در وضعیت ناسالم قرار گرفت. طبق اعلام سامانه پایش کیفی هوای کشور، براساس اندازه گیری ذرات معلق با اندازه ۲.۵ میکرون، وضعیت هوا در بندر ماهشهر با شاخص ۱۵۵ میکروگرم بر متر مکعب در وضعیت قرمز و ناسالم برای همه گروه های سنی قرار داشت. همچنین وضعیت هوا در شهر آبادان ۱۱۶، امیدیه ۱۰۵، اندیمشک ۱۲۲، ایستگاه های استانداری، نیوساید و پادادشهر در اهواز به ترتیب ۱۴۷، ۱۴۵ و ۱۴۶، خرمشهر ۱۳۲، شادگان ۱۲۸، شوشتر ۱۳۶ و هویزه ۱۰۳ در وضعیت نارنجی و ناسالم برای گروه های حساس گزارش شده است. آلودگی هوا یکی از تبعات تخریب محیط زیستی و یکی از

موضوعات اعتراضی مردم در خوزستان است.

- مریم زلکی از بازداشت شدگان تجمع متحدانه ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ بازنشستگان کشوری، فرهنگیان و تامین اجتماعی اهواز با قرار وثیقه و بطور موقت آزاد شد. در این تجمع بازنشستگان بخشهای مختلف همراه با خانواده هایشان در مقابل درب اداره کل سازمان تامین اجتماعی در اهواز تجمع و اعتراض کردند و درخواستهایشان تاکید کردند. مریم زلکی باید بدون قید و شرط آزاد شود و پرونده امنیتی اش بسته شود.

- هوشنگ آل مجدی، ساکن ایذه علیرغم گذشت ۱۵ روز از زمان دستگیری، کماکان به صورت بلا تکلیف در بازداشتگاه اطلاعات سپاه اهواز بسر می برد. او ۶۳ سال دارد و در تاریخ ۸ خرداد سال جاری، توسط ماموران اطلاعات سپاه بدون ارائه حکم قضایی در منزل شخصی اش در ایذه بازداشت شد و سپس طی یک تماس تلفنی کوتاه با خانواده از انتقالش به بازداشتگاه نهاد مذکور در اهواز خبر داد.

دوشنبه ۲۱ خرداد

- ۲۱ خرداد بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه های گذشته در اهواز دست به تجمع زدند و پیگیر مطالباتشان شدند. - تجمع جمعی از جوانان جویای کارهفت تپه نسبت به بیکاری وعده های توخالی مسئولان مقابل مجتمع کشت و صنعت هفت تپه ۴۱ روزه شد.

یکشنبه ۲۰ خرداد

- بازنشستگان تامین اجتماعی در همراهی با بخش های دیگر بازنشستگان به روال یکشنبه های هر هفته در اعتراض به فقر و بی تأمین در شهرهای اهواز و شوش تجمع و اعتراض کردند.

در شوش بازنشستگان از شهرهای کرخه، هفت تپه و شوش در گرمای بالای پنجاه درجه تجمع کردند و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را بلند کردند. بازنشستگان شعار میدادند: "کشور شده چند پاره بخور بخور تو کاره"، "گرانی تورم بالای جان مردم"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "زیر بار تورم، شکسته پشت مردم"، و "ننگ ما ننگ ما مخبر الدنگ ما". راهپیمایی و تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی شوش در اعتراض به فقر، تورم و گرانی، دستمزدهای ناچیز و نامساعد، به فساد و غارت، به تبعیض و نابرابری ها بود.

- کارگران بازنشسته صنعت فولاد در اهواز در اعتراض به سطح نازل حقوقها و اجرا نشدن همسان سازی که می تواند بهبودی در دریافتی های آنها ایجاد کند و نیز عدم پرداخت مطالبات معوقه و خدمات درمانی ناکافی مقابل صندوق بازنشستگی تجمع کردند. درمان رایگان یک خواست سراسری بازنشستگان است.

۲۵ خرداد ۱۴۰۳، ۱۴ ژوئن ۲۰۲۴



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها منتشر می‌شود

فیسبوک: www.facebook.com/wpiarn

اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: www.wpiran.org

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

anternasional@yahoo.com

milad.rabei@gmail.com

ماهواره پناه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL
ک کانال جدید

ه آنلاین،



newchannel

س های

کانال جدید

www.newchannel.tu